

الگوی شناخت و دسته‌بندی اندیشه‌های سیاسی در ایران

علی‌اکبر علیخانی*

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

یکی از راه‌های شناخت و تحلیل اندیشه‌های سیاسی، دسته‌بندی آن‌ها است. سیالیت اندیشه و گذار از دوره‌ها و مراحل گوناگون و متفاوت و گاهی متضاد، دسته‌بندی آن‌ها را دشوار می‌کند. دسته‌بندی‌های فراوانی از اندیشه‌های سیاسی معاصر در ایران ارائه شده است که همه آن‌ها مبتنی بر معیارهای خرد بوده‌اند. مسئله این مقاله، وارد کردن شناخت جغرافیای کلان فکری اندیشه‌ها و نسبت آن‌ها با یکدیگر در دسته‌بندی اندیشه‌های سیاسی است. پرسش اصلی مقاله این است که «چه الگوی کامل‌تری را برای دسته‌بندی اندیشه‌های سیاسی می‌توان ارائه داد که فهم ابعاد خرد و کلان اندیشه‌ها را در یک بازه

* (نویسنده مسئول) دانشیار گروه مطالعات غرب آسیا، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران، (a.alikhani@ut.ac.ir)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره نخست، زمستان ۱۳۹۹، صص ۱۳۵-۱۱۵

زمانی طولانی میسر کند». این مقاله با در نظر داشتن روش پژوهش «نظریه زمینه‌ای»^۱ ابتدا نگاهی اجمالی به دسته‌بندی‌های انجام‌شده و معیارها و الگوهای این دسته‌بندی‌ها تاکنون دارد، سپس الگوی «دسته‌بندی خوشه‌ای» را (به‌عنوان یکی از یافته‌های پژوهش) برای شناخت اندیشه‌های سیاسی ارائه خواهد کرد. این الگو از سه سطح تحلیل بیرونی، تحلیل درونی، و نسبت‌سنجی بهره می‌برد و اندیشه‌های سیاسی را از جنبه‌های جریانی، گفتمانی، و پارادایمی ریشه‌یابی می‌کند. در سطح تحلیل بیرونی، اندیشه‌ها را در جغرافیای کلان فکری یک جامعه یا حوزه تمدنی می‌بیند، در سطح درونی، با نگاه خرد به فهم اجزای اندیشه‌ها می‌پردازد، و در سطح نسبت‌سنجی، آن‌ها را با یکدیگر مقایسه می‌کند.

واژگان کلیدی: اندیشه سیاسی، روش‌شناسی، الگوی تحلیل، ایران، جهان اسلام

مقدمه

شناخت و تحلیل اندیشه‌های سیاسی، راه‌های گوناگونی دارد که دسته‌بندی، یکی از رایج‌ترین آن‌ها است. اندیشه هر متفکری سیال است و دوره‌ها و مراحل گوناگون و متفاوت و گاهی متضادی را پشت سر گذاشته است، به‌همین دلیل، دسته‌بندی اندیشه‌های تعداد زیادی از متفکران در یک بازه زمانی طولانی، دشوار خواهد بود. دسته‌بندی‌های فراوانی از اندیشه‌های سیاسی-اجتماعی ۲۰۰ سال اخیر در ایران — جهان اسلام — ارائه شده است که هر یک، محاسن و کاستی‌هایی دارد. اگرچه شاید ارائه یک دسته‌بندی دقیق و جامع و مانع، اساساً امکان‌پذیر نباشد، با این حال باید به این سو حرکت کنیم و مسئله این پژوهش نیز همین است که بتواند منطق و قواعد دقیق‌تری برای دسته‌بندی اندیشه‌های سیاسی ارائه دهد. بر این اساس، پرسش اصلی مقاله این است که «عمده‌ترین دسته‌بندی‌های انجام‌شده از اندیشه‌های سیاسی معاصر کدامند و چه الگوی دسته‌بندی دقیق‌تر و کامل‌تری می‌توان ارائه داد؟»

یکی از نکته‌های مهم در یک دسته‌بندی متقن — که از جمله نتایج این مقاله به‌شمار می‌آید — این است که اندیشه‌های سیاسی در جغرافیای کلان فکری یک جامعه یا حوزه تمدنی، و نسبت آن‌ها با اندیشه‌های دیگر دیده شوند. جغرافیای کلان فکری، به‌مثابه پازل یا نقشه‌ای در گستره مکانی و زمانی مورد مطالعه است که شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با هم دارند. در این نوع دسته‌بندی، از بیرون به اندیشه‌ها نگاه می‌شود و جایگاه و نسبت اندیشه‌های سیاسی-اجتماعی موجود در جامعه در آن گستره زمانی و مکانی مشخص می‌شود. اما پیش از آن، پژوهشگر از نگاه خرد و فهم اجزای اندیشه‌ها نیز بی‌نیاز نخواهد بود؛ در نتیجه محقق و نظریه‌پرداز دو نوع نگاه به هر اندیشه‌ای خواهد داشت؛ نخست، نگاه از درون که بیشتر نگاه خرد و مبتنی بر تجزیه و تحلیل اجزای هر اندیشه‌ای است؛ دوم، نگاه

کلان، که نگاه از بیرون است و با فهم پارادایم‌ها، گفتمان‌ها، و سیر جریانی آن اندیشه، می‌تواند به نسبت‌سنجی کلیت آن اندیشه با سایر اندیشه‌های مشابه و رقیب پردازد و آن را در تعیین نسبتش با بقیه، بهتر بشناسد. مهم‌ترین راه فهم جغرافیای فکری اندیشه‌های سیاسی، استفاده از روش دسته‌بندی خوشه‌ای است که هدف اصلی این نوشتار است. در پایان این مقدمه بیان سه نکته ضروری است: نخست اینکه به دلیل شباهت‌ها و اشتراک‌های فراوان اندیشه‌های سیاسی-اجتماعی در ایران با کشورهای دیگر جهان اسلام، به برخی دسته‌بندی‌های انجام‌شده توسط اندیشمندان عرب نیز اشاره می‌شود و این امر امکان مقایسه و بهره‌گیری از تجربه‌های بین‌المللی را نیز برای خوانندگان ارجمند فراهم خواهد کرد. نکته دوم اینکه، بحث‌های مطرح‌شده در بخش دوم مقاله، دستاوردهای مقاله و مطالب نگارنده و در نتیجه، فاقد ارجاع به منابع هستند. سوم اینکه در این مقاله، پیشینه پژوهش، خود، بخشی از مقاله است که در ابتدا به آن پرداخته می‌شود.

۱. دسته‌بندی‌های رایج و معیارهای آن

دسته‌بندی‌های فراوانی برای اندیشه‌های سیاسی-اجتماعی متفکران مسلمان ارائه شده است که بیشتر آن‌ها با تسامح، در مورد ایران و کشورهای مسلمان دیگر نیز صدق می‌کنند. در اینجا قصد تبیین یا تحلیل و نقد این دسته‌بندی‌ها را نداریم، و تنها به منظور آگاهی علاقه‌مندان و همچنین، به‌عنوان پیشینه و ادبیات پژوهش، به‌اجمال به آن‌ها اشاره می‌کنیم. خوانندگان ارجمند می‌توانند برای مطالعه بیشتر به منابع ذکرشده مراجعه کنند.

فرشاد مهدی‌پور در مقاله «گونه‌شناسی جریان‌شناسی‌های فکری-فرهنگی در ایران معاصر»، بخش عمده این دسته‌بندی‌ها را در مورد ایران آورده است (مهدی‌پور، ۱۳۹۳: ۲۷-۸). دسته‌بندی‌های دیگری نیز برای اندیشه‌ها و جریان‌های سیاسی-اجتماعی در جهان اسلام ارائه شده‌اند که در دسترس خوانندگان ارجمند قرار دارند و نیازی به شرح تمام آن‌ها نیست (ر.ک: احمدی و علیزاده، ۱۳۸۹: ۲۸-۱؛ بشارتی‌راد، ۱۳۹۴: ۶۴-۳۳؛ رجایی، ۱۳۸۱؛ نبوی، ۱۳۸۴: ۳۸-۷؛ فضل‌العلی، ۱۳۹۶: ۸۴-۵۷؛ امید، ۱۳۹۴: ۱۵۸-۱۳۹؛ احمدوند، زارع، و جهانی، ۱۳۹۲: ۴۸-

۲۷) و در اینجا تنها به چند نمونه از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم.

سید حسین نصر در کتاب «اسلام سنتی در دنیای متجدد»، اندیشه‌ها و جریان‌های سیاسی-اجتماعی جهان اسلام را به چهار دسته کلی تجددگرایی، موعودگرایی، بنیادگرایی، و سنت‌گرایی یا اسلام سنتی تقسیم می‌کند (نصر، ۱۳۸۶: ۴۸۲) و اسلام سنتی را همان اسلام احیاگرانه می‌داند (نصر، ۱۳۸۶: ۱۹) که بیشتر بر سنت عقلانی اسلام مبتنی است و در بسیاری از موارد، با اسلام بنیادگرایانه و تجددگرایانه در تقابل است^(۱).

مصطفی ملکیان، سه قرائت اصلی اندیشه‌های اسلام‌گرا را در سه جریان اسلام بنیادگرا، اسلام تجددگرا، و اسلام سنت‌گرا^۳ جای می‌دهد (ملکیان، ۱۳۷۸: ۱۳-۱۰). علیرضا علوی تبار، با معیار قرار دادن غرب و سه دوره تاریخی «مشروطه»، «تجربه»، و «غرب‌ستیزی»، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های جریان‌های اندیشه‌ای روشنفکران را تبیین کرده است (علوی تبار، ۱۳۷۵: ۴۳-۳۸). او در مقاله دیگری، چهار جریان فکری روشنفکری را به شرح زیر برمی‌شمارد (علوی تبار، ۱۳۷۶: ۲۵-۲۲):

۱. سنت‌گرایی و غرب‌ستیزی، که مخالف انسان‌محوری به‌جای خدامحوری بود؛
 ۲. نوسازی‌خواهی و غرب‌زدگی، که همان جریان مدرنیزاسیون بدون پشتوانه نظری است؛
 ۳. نوگرایی و غرب‌گرایی، که درصدد تأیید مدرنیته با تأکید بر خردگرایی و عقل‌باوری است؛

۴. نواندیشی بدون نوگرایی همراه با غرب‌پژوهی، که هم به استفاده از دستاوردهای غرب و مدرنیته معتقد است و هم آن را نقد می‌کند.
 محمدتقی سبحانی، اندیشه‌های سیاسی-اجتماعی اسلامی در ایران معاصر را به سه دسته اصلی «شریعت‌گرایی اسلامی»، «تجددگرایی اسلامی»، و «تمدن‌گرایی اسلامی» تقسیم می‌کند و ویژگی‌ها، متفکران، و آثار منتشرشده مربوط به هریک را برمی‌شمارد (سبحانی، ۱۳۸۱: ۲۸۰-۲۲۰).

1. Fundamentalist
2. Modernist
3. Traditionalist

شمس‌الله مریجی در تقسیم‌بندی جریان‌های روشنفکری در ایران، چهار جریان را متمایز و نقد و تحلیل می‌کند. این چهار جریان فکری عبارتند از: روشنفکران غرب‌گرا، روشنفکران چپ‌گرا، روشنفکران ملی‌گرا، و روشنفکران اسلام‌گرا یا دینی (مریجی، ۱۳۸۶: ۶۰-۴۷).

برخی متفکران نیز اندیشه‌های سیاسی-اجتماعی جهان عرب را دسته‌بندی کرده‌اند که شباهت‌های زیادی با ایران دارد.

فرهنگ رجایی در کتاب «اندیشه‌های سیاسی معاصر در جهان عرب»، نحله‌های فکری پس از بیداری را به سه دسته «غرب‌گرا»، «عرب‌گرا»، و «اسلام‌گرا»، و نحله‌های فکری جدید را به سه دسته «دولت‌سازی و تمدن‌گرایی»، «اسلام‌گرایی»، و «عرب‌گرایی جدید» تقسیم کرده است (رجایی، ۱۳۸۱).

داود فیرحی نیز چهار جریان فکری جهان عرب را به شرح زیر معرفی می‌کند: نخست، جریان‌های سنتی؛ دوم، جریان‌های سکولار شامل دو جریان چپ متأثر از مارکسیسم و لیبرال متأثر از غرب؛ سوم، جنبش‌های جدید سلفی؛ و چهارم، جنبش‌های اخوانی. فیرحی، تقسیم‌بندی دیگری از اسلام‌گراها ارائه داده است که عبارتند از: رادیکالیسم اسلامی، سکولاریسم اسلامی، و تجددگرایی اسلامی (فیرحی، ۱۳۸۱).

حسن بشارتی راد از سه جریان اصلی اندیشه‌ای در جهان اسلام بحث کرده است که ایران را نیز دربر می‌گیرند. این سه جریان عبارتند از:

۱. جریان‌های فکری اسلام‌گرا شامل چهار جریان سنت‌گرا (در مقابل مدرنیته)، ظاهرگرا-سلفی، باطن‌گرا (تصوف)، و تمدن‌گرا؛
۲. جریان‌های فکری ملی‌گرا؛
۳. جریان‌های فکری غرب‌گرا (بشارتی راد، ۱۳۹۴: ۵۲).

در ادامه، به منظور فراهم کردن زمینه و امکان مقایسه بین تقسیم‌بندی اندیشه‌های سیاسی در ایران و جهان عرب، و به دلیل شباهت‌های زیادی که بین آن‌ها وجود دارد، به‌اجمال به مهم‌ترین دسته‌بندی‌های پژوهشگران عرب نیز اشاره می‌کنیم.

حسن حنفی، سه جریان اندیشه‌ای اصلی را به شرح زیر برمی‌شمارد:

۱. جریان اصلاح دینی با محوریت اسلام؛
۲. جریان اندیشه لیبرالی با محوریت تلفیق اسلام و اندیشه‌ها و تجربه‌های غرب؛

۳. جریان سکولار با محوریت علم و عقل بشری (حنفی، ۱۹۹۸: ۳۹؛ علیخانی و همکاران، ۱۳۹۰: ج ۱۷، ۴۵۴-۴۴۰).

محمد عماره، اندیشه‌های سیاسی-اجتماعی در مصر را به سه جریان «سلفی»، «غرب‌گرای سکولار»، و «احیاگرِ تجددخواه» تقسیم کرده است (عماره، ۱۹۹۸: ۴۰-۳۶؛ عماره، ۱۹۹۷: ۲۴-۲۰).

جابر الانصاری نیز این جریان‌ها را به پنج گروه به شرح زیر تقسیم کرده است:

۱. گرایش‌های ملی یا منطقه‌ای یا کشوری و یا محلی که در هر جایی ممکن است با یکی از این نام‌ها خوانده شود؛
۲. گرایش‌های ناسیونالیستی عربی؛
۳. گرایش‌های دینی؛
۴. گرایش‌های چپ‌گرا؛
۵. گرایش‌های صلح‌طلب (نعمان جلال، ۲۰۰۴: ۳۹).

انور عبدالملک، جریان‌های فکری عربی معاصر در مصر را به دو جریان کلی تقسیم می‌کند که هر یک به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱. جریان اصول‌گرای اسلامی، که او از بنیادگرا خواندن آن‌ها نیز ابایی ندارد. این جریان، خود به دو گروه تقسیم می‌شود: نخست، راست‌گراها مانند اخوان المسلمین. دوم، چپ‌گراها مانند جریان‌های ملی‌گرای بعثی و ناصری؛
۲. جریان مدرنیسم لیبرال. این جریان نیز به دو گروه تقسیم می‌شود: نخست، چپ‌گراها مانند جنبش‌های سوسیالیستی و مارکسیستی، دوم، راست‌گراها مانند بورژوازی ملی (شبار، ۲۰۰۱: ۳۹).

انور عبدالملک در کتاب «اندیشه سیاسی عرب در دوره معاصر»، اندیشه‌های مورد بحث خود را بر مبنای تأکید موضوعی و غلبه اندیشه هر متفکر، فصل‌بندی کرده است؛ این نوع فصل‌بندی در مطالعات اندیشه سیاسی، امر رایجی است. به نظر نگارنده، خود این فصل‌بندی می‌تواند نوعی دسته‌بندی اندیشه‌های سیاسی به شرح زیر باشد:

۱. اندیشه‌های معطوف به اسلام سیاسی، بنیادگرایی، و تمامیت‌خواهی؛
۲. اندیشه‌های معطوف به مبارزه آزادیبخش ملی (استعمارستیزی)؛
۳. اندیشه‌های معطوف به بازیابی هویت؛

۴. اندیشه‌های معطوف به مسئله قدرت، توده‌های مردم، و روشنفکران؛
۵. اندیشه‌های معطوف به وحدت عربی و ناسیونالیسم؛
۶. اندیشه‌های متأثر از سوسیالیسم؛
۷. اندیشه‌های معطوف به قضیه فلسطین و پیوند آن با رنسانس عربی (عبدالملک، ۱۳۸۴).

رضوان السید، با تقسیم‌بندی تاریخی، چهار گفتمان اندیشه‌ای را در جهان عرب برمی‌شمارد؛ نخست، گفتمان رویارویی با تجدد که هم با مقاومت همراه بود و هم درصدد تلفیق تجدد با فرهنگ و آموزه‌های اسلامی و شرقی برآمد. این دوره تا سال ۱۹۳۴ ادامه داشت. دوم، گفتمان ملی‌گرایی یا ناسیونالیسم عربی که هم در پی تلفیق اسلام و غرب و هم به دنبال مدرنیزاسیون بود و از سال ۱۹۳۴ آغاز شد و دوره فراز و فرود داشت. سوم، گفتمان اسلام‌گرایی که با مودودی شروع شد. چهارم، گفتمان حاکمیت الهی که از سال ۱۹۶۰ با سید قطب آغاز شد (السید، ۱۳۸۰).

در ادامه، دو نوع دسته‌بندی جزئی‌تر (دسته‌بندی جنبش‌های اسلامی، و دسته‌بندی اندیشه‌ها و جریان‌های سکولار) را بررسی خواهیم کرد.

اسامه عبدالله حمید، استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه «بِنها» تنها جنبش‌های اسلامی را به چهار گروه به شرح زیر تقسیم کرده است:

۱. جنبش‌های اصلاحی مانند جماعت اخوان المسلمین؛
۲. جنبش‌های انقلابی مانند حرکت جهاد اسلامی؛
۳. جنبش‌های سیاسی مانند جماعت مصر الفتاة؛
۴. جنبش‌های تزویری مانند جنبش ناصری (زغلول شلاطه، ۲۰۱۱: ۴۱-۴۰).

در یک تقسیم‌بندی خاص‌تر، اندیشه‌ها و جریان‌های سکولار، از چهار منظر به چهار دسته اصلی و نه گروه فرعی به شرح زیر تقسیم شده‌اند (عامری، ۲۰۱۷: ۹۰-۸۲):

۱. تقسیم‌بندی سکولاریسم به لحاظ تاریخی:
 - الف) سکولاریسم دینی (جدا کردن دین از فرایندهای دنیوی)؛
 - ب) سکولاریسم مالی-قانونی (جدا کردن مدرسه‌ها و مؤسسه‌ها از کلیسا)؛
 - ج) سکولاریسم تمدنی (تمدن بدون مذهب).
۲. تقسیم‌بندی سکولاریسم با توجه به دیدگاه منفی در مورد دین:

الف) سکولاریسم سرکوب دین؛

ب) سکولاریسم لیبرالی (پذیرفتن حضور دین بنا به مصلحت)؛

ج) سکولاریسم بخشی (توجه به دین در برخی عرصه‌ها با حق انتخاب مردم).

۳. تقسیم‌بندی سکولاریسم با توجه به دیدگاه کلیسا در مورد دولت:

الف) جدایی کامل کلیسا از دولت؛

ب) پذیرش کلیسا به‌عنوان یک مؤسسه عمومی و نهاد اجتماعی؛

ج) ارتباط سیاسی کلیسا با دولت.

۴. تقسیم‌بندی سکولاریسم به‌لحاظ گستردگی:

الف) سکولاریسم جامع (تفسیر کل دنیا بدون دین)؛

ب) سکولاریسم سیاسی و اقتصادی.

دسته‌بندی‌های پیش‌گفته و موارد دیگری که مطرح نشدند، اغلب مشابه و گاهی دارای تفاوت‌هایی با یکدیگر هستند. در ادامه به برخی ایرادهای کلی یا دلایل نابسندگی تقسیم‌بندی‌های موجود اشاره می‌کنیم. پس از آن، تلاش نویسنده و هدف این نوشتار این است که یک الگوی تقسیم‌بندی برای اندیشه‌های سیاسی-اجتماعی در جهان اسلام ارائه دهد.

۲. نابسندگی و معیارهای دسته‌بندی‌های موجود

به‌نظر می‌رسد، اگر دسته‌بندی‌های پیش‌گفته، تا یکی دو دهه پیش می‌توانست جغرافیای اندیشه سیاسی-اجتماعی جهان اسلام را توضیح دهد، ولی هم‌اکنون برای فهم بهتر و دقیق‌تر این اندیشه‌ها، بهتر است و می‌توانیم دسته‌بندی‌های جدیدتری ارائه دهیم. البته چنان‌که گفتیم، دسته‌بندی دقیق و کامل اندیشه‌ها و موضوع‌های سیاسی-اجتماعی، همیشه کار دشواری است و نمی‌توان برای اندیشه‌ها، حدود و مرز روشنی تعریف کرد؛ با این حال، باید تا حد امکان برای ارائه دسته‌بندی‌های دقیق و کم‌عیب تلاش کنیم. یکی از نکته‌های مهم در دسته‌بندی‌های گوناگون اندیشه‌ها، چشم‌انداز و زاویه نگاه، یا معیار دسته‌بندی آن‌ها است؛ بنابراین، بسته به زاویه نگاه و معیار، می‌توان دسته‌بندی‌های فراوانی انجام داد. هریک از دسته‌بندی‌های ارائه‌شده که به برخی از آن‌ها اشاره کردیم—معیارها یا منظرهای خاص خودشان را

داشته‌اند. در مجموع می‌توان موضوع‌های مورد توجه اندیشه‌های گوناگون — که اغلب آن‌ها معیار دسته‌بندی نیز قرار گرفته‌اند — را به شرح زیر برشمرد:

۱. سنت، اسلام، شریعت، اصول‌گرایی، سلفیه؛
۲. غرب، تجدد، لیبرالیسم، سکولاریسم، سوسیالیسم؛
۳. هویت، فرهنگ، ملیت، ملی‌گرایی؛
۴. ترکیبی از موارد بالا؛

هریک از چهار حوزه اندیشه‌ای بالا، در عمل دارای رویکردهای زیر هستند:

۱. اصلاح‌گری: به معنای اعتقاد به اصلاحات تدریجی و گام‌به‌گام بدون خشونت؛
۲. انقلابی‌گری: به معنای اعتقاد به تغییرات اساسی و فوری بدون مسامحه و تا حد امکان، با خشونت کمتر؛
۳. افراطی‌گری: به معنای اعتقاد به تغییرات اساسی و فوری با خشونت زیاد؛
۴. ترکیبی از موارد بالا یا تحول هر کدام در طول زمان.

۳. الگوهای موجود برای دسته‌بندی اندیشه‌های سیاسی-اجتماعی

اگر بخواهیم دسته‌بندی‌های انجام‌شده از اندیشه‌های سیاسی-اجتماعی تاکنون را در قالب الگوهایی ردیابی کنیم، سه الگو قابل مشاهده است که هر یک، برجستگی‌ها و کاستی‌های احتمالی خود را دارند. این سه الگوی تقسیم‌بندی عبارتند از: تاریخی، گفتمانی، و ترکیبی. در ادامه به اجمال به سه نوع تقسیم‌بندی از پیش موجود اشاره می‌کنیم و در بحث بعدی، الگوی خوشه‌ای مورد نظر این نوشتار را تبیین می‌کنیم.

۳-۱. دسته‌بندی تاریخی

دسته‌بندی تاریخی که می‌توان آن را بیشتر یک چینه‌شناسی تاریخی دانست، از ساده‌ترین راه‌های پژوهش، نگارش، و دسته‌بندی اندیشه‌های سیاسی-اجتماعی است. در این نوع دسته‌بندی، متفکران مورد مطالعه به ترتیب تاریخ تولد، چیده می‌شوند. مهم‌ترین اثر انجام‌شده با این روش، مجموعه ۱۹ جلدی اندیشه سیاسی متفکران مسلمان (۱۳۹۰) است. مزایای این دسته‌بندی عبارتند از:

۱. سیر تحول، تطور، و تکامل اندیشه‌های سیاسی-اجتماعی را می‌توان مشاهده کرد؛
۲. میزان اثرگذاری اندیشه‌ها بر یکدیگر، و کنش و واکنش آن‌ها با هم،

قابل ردیابی است؛

۳. مسئله‌های گوناگون مطرح شده در هر دوره‌ای در جامعه قابل شناسایی است؛

۴. تنوع افکار و اندیشه‌های موافق، مخالف، و متضاد را در یک دوره و در یک

سیر تاریخی می‌توان دریافت.

نکته مهم: هر اندیشه سیاسی-اجتماعی‌ای، دارای درجه‌های گوناگونی از: ۱.

سطح؛ ۲. کارایی؛ و ۳. تنوع است. منظور از سطح، عمق و پیچیدگی و میزان

تخصصی بودن آن است. منظور از کارایی، میزان عملی و کاربردی بودن، و تأثیرات

سیاسی-اجتماعی مثبت و منفی آن است، و مقصود از تنوع، تعداد موضوع‌های

اصلی و فرعی‌ای است که به آن توجه داشته است. در شیوه دسته‌بندی تاریخی،

نخست باید اندیشه‌های مربوط به تمام نگرش‌ها و گرایش‌ها را آورد؛ مگر اینکه

پژوهش از قبل به یک طیف خاص محدود شده باشد. دوم اینکه، جایگاه

اندیشه‌های مورد بحث در سه مؤلفه سطح، کارایی، و تنوع، تا حد امکان مشابه باشد.

هنگام سنجش میزان شباهت اندیشه‌ها در سه سطح یادشده، سطح اندیشه از بقیه

مهم‌تر است، کارایی در درجه دوم قرار می‌گیرد، و تنوع، اهمیت کمتری دارد.

۲-۳. دسته‌بندی گفتمانی-جریانی

در این دسته‌بندی، اندیشه‌های سیاسی-اجتماعی با نام گفتمان‌هایی شناخته می‌شوند

که در آن بالیده‌اند یا جریان‌هایی که در آن رشد کرده‌اند؛ مانند اندیشه‌های

سیاسی-اجتماعی: فقهی یا فقه‌گرا، کلامی، عرفانی یا عرفان‌گرا، سکولار اسلامی،

سکولار لیبرال، سکولار سوسیال، ملی‌گرا، غربی یا غرب‌گرا، و... منظور از فقه یا

کلام یا عرفان‌گرا در اینجا، ابعاد سیاسی-اجتماعی هر یک از این حوزه‌ها است.

هر یک از این‌ها می‌تواند به گونه‌ای دقیق‌تر یا ترکیبی، تقسیم‌بندی شود؛ مانند

فقه‌گرای نوگرا و سنتی، یا فقه‌گرای اجتهادی و نص‌گرا. تقسیم‌بندی گفتمانی

جریانی، به طور معمول، سیال است و به تناسب شرایط و پیشرفت زمان تغییر

می‌کند. یکی از آثار منتشرشده با این نوع دسته‌بندی، کتاب «اندیشه‌های سیاسی

اسلام و ایران» (۱۳۹۴) نوشته سید کاظم سیدباقری است. مزیت‌های این نوع

تقسیم‌بندی عبارتند از:

۱. گفتمان‌ها یا جریان‌های یک دوره یا دوره‌های گوناگون، به تفکیک قابل شناسایی هستند؛
۲. میزان گستردگی و تأثیر هریک از گفتمان‌ها در هر دوره، قابل ردیابی و شناخت است؛
۳. نقاط ضعف و قوت گفتمان‌ها به تفکیک قابل مطالعه است؛
۴. فرایند شکل‌گیری، تکامل، تسلط، و ضعف گفتمان‌ها را می‌توان رصد کرد؛
۵. با شناسایی دال‌های محوری و دال‌های شناور، می‌توان فضای کلی جامعه و حساسیت‌های آن را تشخیص داد؛
۶. میزان موفقیت یا ناکامی اندیشه‌های هر گفتمان را در عرصه عمل می‌توان سنجید.

مهم‌ترین نقطه ضعف این دسته‌بندی این است که بیشتر متفکران را به‌طور کامل نمی‌توان در یک گفتمان یا جریان قرار داد. اندیشه‌ها، پویا هستند و گرایش‌های گوناگونی دارند، به‌همین دلیل، اجزای اندیشه یک متفکر می‌تواند در چند گفتمان یا جریان قرار گیرد. برای حل این مشکل، دو راه وجود دارد؛ نخست اینکه یک متفکر در چند گفتمان بررسی شود و در آنجا گفته شود که بخش‌های دیگر اندیشه او در گفتمان‌های دیگری قرار می‌گیرد؛ راه دوم این است که وجه غالب اندیشه متفکر معیار قرار گیرد و برپایه آن در یک گفتمان دسته‌بندی شود. بیشتر پژوهشگران، از راه دوم استفاده کرده‌اند.

۳-۳. دسته‌بندی گفتمانی-تاریخی

در تقسیم‌بندی گفتمانی-تاریخی، دو الگوی بالا در ترکیب با یکدیگر می‌آیند؛ به این ترتیب که نخست، تقسیم‌بندی گفتمانی انجام می‌شود و سپس متفکران، به ترتیب تاریخ تولد چیده می‌شوند. یکی آثار نوشته شده با این ساختار کتاب اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران (۱۳۸۸) نوشته حاتم قادری، و کتاب تاریخ اندیشه‌های سیاسی در ایران و جهان اسلامی (۱۳۷۲) نوشته علی اصغر حلبی است.

۴. الگوی دسته‌بندی خوشه‌ای

الگوی دسته‌بندی «خوشه‌ای»، که برای نخستین بار در این مقاله ارائه می‌شود، شاید کامل‌تر از بقیه باشد. این الگو برخی دسته‌بندی‌های دیگر را نیز به‌نوعی در خود

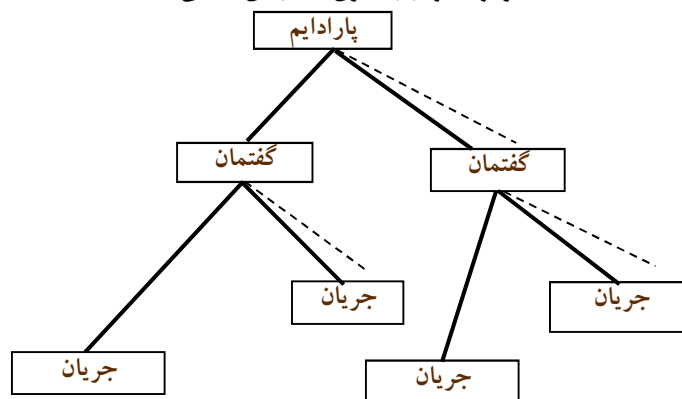
جای داده است. «دسته‌بندی خوشه‌ای، الگویی است که اندیشه‌های سیاسی-اجتماعی را در سه سطح تحلیل بیرونی، تحلیل درونی، و نسبت‌سنجی، بررسی و تحلیل و از جهت جریانی، گفتمانی، و پارادایمی، ریشه‌یابی می‌کند. در سطح تحلیل بیرونی، اندیشه‌ها را در جغرافیای کلان فکری یک جامعه یا حوزه تمدنی می‌بیند، در سطح درونی، با نگاه خرد به فهم اجزای اندیشه‌ها می‌پردازد، و در سطح نسبت‌سنجی، آن‌ها را با یکدیگر مقایسه، و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آن‌ها را بررسی می‌کند». این دسته‌بندی با دارا بودن انعطاف ساختاری، به تناسب گستردگی و انشعاب اندیشه‌ها، می‌تواند به سه صورت حداقلی، حداکثری، و میانه انجام شود. در دسته‌بندی خوشه‌ای حداقلی، سه قالب اصلی، و در دسته‌بندی خوشه‌ای حداکثری، تا هفت قالب اصلی و فرعی وجود دارد.

۴-۱. انواع دسته‌بندی خوشه‌ای

الف) دسته‌بندی خوشه‌ای حداقلی: در ساختار دسته‌بندی خوشه‌ای حداقلی، سه مؤلفه اصلی وجود دارد که عبارتند از: پارادایم^(۲)، گفتمان، و جریان. هر پارادایم دارای چند گفتمان، و هر گفتمان، دارای چند جریان اندیشه‌ای است.

پارادایم ← گفتمان ← جریان

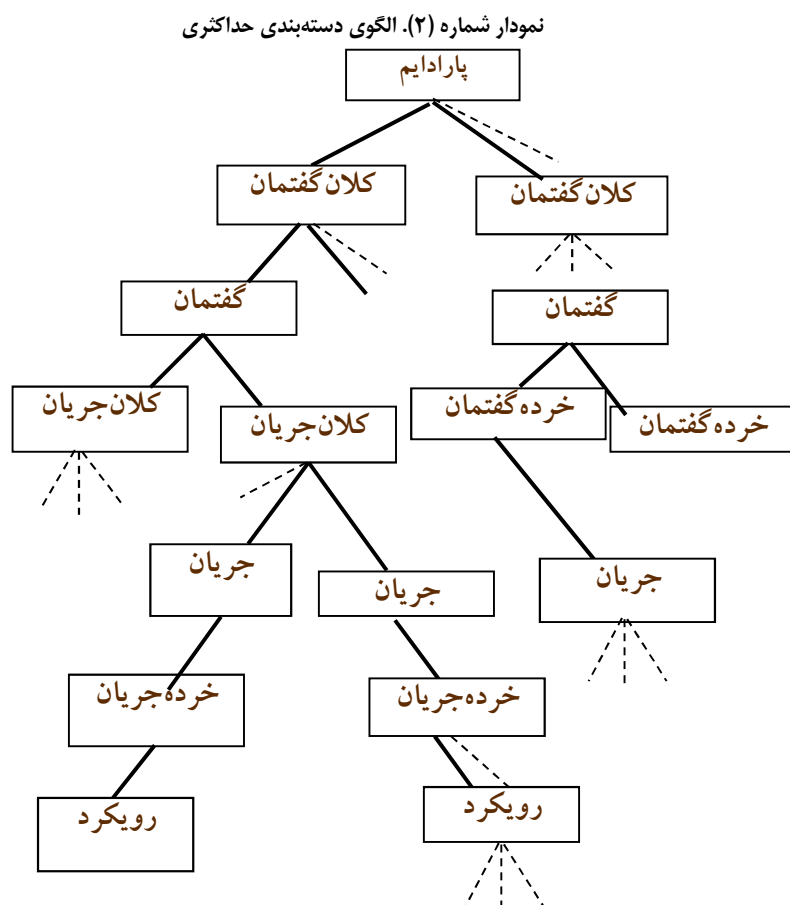
نمودار شماره (۱). الگوی دسته‌بندی حداقلی



ب) دسته‌بندی خوشه‌ای حداکثری: به تناسب عمق و گستردگی اندیشه‌ها، ممکن است حلقه‌های دیگری به الگوی تحلیل بالا اضافه شود که عبارتند از: کلان‌گفتمان

که پیش از گفتمان قرار می‌گیرد، خرده‌گفتمان یا کلان‌جریان که پس از گفتمان می‌آید^(۳)، چند خرده‌جریان، که در قالب هر جریان فکری بررسی می‌شود، و رویکرد، که ممکن است در هر جریان یا خرده‌جریانی وجود داشته باشد. رویکرد، بیشتر جنبه عمل‌گرایانه دارد و اختلاف‌نظر در عرصه عمل، سبب پیدایش رویکردهای گوناگون با خط‌مشی‌های متفاوت داخل یک جریان یا خرده‌جریان می‌شود. مؤلفه‌های دسته‌بندی خوشه‌ای حداکثری عبارتند از:

پارادایم ← کلان‌گفتمان ← گفتمان ← خرده‌گفتمان یا کلان‌جریان ← پارادایم
 خرده‌جریان ← رویکرد



ج) دسته‌بندی خوشه‌ای میانه: دسته‌بندی خوشه‌ای میانه، چنان‌که از اسم آن پیداست،

فراتر از حداقلی و کمتر از حداکثری است، و به تناسب هر اندیشه، برخی از مؤلفه‌های حداکثری را ندارد.

د) **دسته‌بندی خوشه‌ای ترکیبی:** دسته‌بندی خوشه‌ای در هریک از سه صورت بالا، این قابلیت را دارد که با یکی از دسته‌بندی‌های موجود ترکیب شود که در این صورت، دو نوع دسته‌بندی تاریخی خوشه‌ای، و گفتمانی خوشه‌ای خواهیم داشت.

۵. مبانی و مفاهیم دسته‌بندی خوشه‌ای

در ادامه، هریک از قالب‌ها و مفاهیم دسته‌بندی خوشه‌ای را تعریف و بررسی خواهیم کرد. البته بیشتر این مفاهیم، بارها مطرح شده و متون مبسوطی در مورد آن‌ها وجود دارد؛ در عین حال، نگارنده بر مبنای مباحث و تجربه‌های گذشته، تعریف‌های مورد نظر خودش را با هدف استفاده در الگوی تقسیم‌بندی خوشه‌ای به شرح زیر ارائه می‌دهد.

الف) **پارادایم:** پارادایم از مباحث درازدامن در علوم انسانی و اجتماعی است که آثار بسیاری در مورد آن نگاشته شده است (ر.ک: برایان فی، ۱۳۸۹؛ بلیکی، ۱۳۹۶؛ ایمان، ۱۳۹۱: ۱۲۲-۴۳). اما تعریفی که ما در اینجا در نظر داریم عبارت است از «مبنایی‌ترین و عمیق‌ترین لایه‌های معرفتی برای اندیشه‌ها که در هر دوره‌ای بین متخصصان آن حوزه در مورد کلیت آن، نوعی اجماع نسبی وجود دارد». مقصود از پارادایم، بنیان‌های فکری در حوزه‌های معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی (شامل خداشناختی، مبدأ و معاد، و نوع نگاه به جهان)، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی، و ارزش‌شناختی است که در قالب یک نظام فکری و جهان‌بینی کلی و کلان، دارای ارتباط نظام‌مند و معنادار با یکدیگر هستند و زیست‌جهان افراد را شکل می‌دهند.

ب) **کلان‌گفتمان:** یک نظام فکری گسترده و مسلط، که برپایه برخی مفاهیم و باورهای اصلی و مبنایی شکل گرفته است، و به دلیل اعتبار و مرجعیت، گفتمان‌های گوناگونی را در خود جای می‌دهد یا آن گفتمان‌ها خود را به آن منتسب می‌کنند.

ج) **گفتمان:** گفتمان نیز از رایج‌ترین مباحث چند دهه اخیر است که منابع بی‌شماری در مورد آن منتشر شده است و موضوع بحث ما نیست (ر.ک: تاجیک

۱۳۸۳ و ۱۳۷۹). آنچه در این تقسیم‌بندی از گفتمان مورد نظر ماست، یک دستگاه فکری و نگرشی پایا یا در حال تغییر است که بر محور برخی مفاهیم اصلی و فرعی به هم پیوسته و دارای ارتباط معنادار و هدفمند، شکل گرفته است و با تأثیر بر ذهن و نگرش افراد، کنش‌ها و واکنش‌های آن‌ها را آگاهانه یا ناآگاهانه شکل می‌دهد.

د) خرده‌گفتمان: خرده‌گفتمان‌ها، نظام‌های فکری کوچک‌تری هستند که با حدود مرز آشکار، و بر محور مفاهیم خاص‌تر خودشان، در داخل یک گفتمان شکل می‌گیرند. همیشه گفتمان‌ها مستعد شکل‌گیری خرده‌گفتمان‌هایی در داخل خود هستند، و هر خرده‌گفتمانی این قابلیت را دارد که به گفتمان اصلی تبدیل شود. در این فرایند تبدیل، ممکن است یک خرده‌گفتمان، جای گفتمان مادر را بگیرد و همچنین، ممکن است از آن منشعب شود و به گفتمان مشابه یا رقیب دیگری تبدیل شود.

ه) جریان: جریان، پدیده‌ای فکری-اجتماعی با تأثیرگذاری بر مخاطبان در راستای اهداف ویژه خود است که توسط گروهی از افراد به عنوان منادیان، با مبانی فکری، اهداف، جهت‌گیری‌ها، و مرزهای کم‌وبیش مشخص مطرح می‌شود، و دارای پیوستگی زمانی و مبتنی بر کنشگری مداوم پیروان و مروجان آن است. جریان‌ها در داخل گفتمان‌ها یا خرده‌گفتمان‌ها شکل می‌گیرند.

و) خرده‌جریان: خرده‌جریان‌ها، گروه‌های کوچک‌تری در داخل یک جریان هستند که با حدود مرز آشکار، و بر محور اشتراک‌های فکری و اهداف خاص‌تر خودشان شکل می‌گیرند. همیشه جریان‌ها، مستعد شکل‌گیری خرده‌جریان‌هایی درون خود هستند، و هر خرده‌جریان این قابلیت را دارد که به جریان اصلی تبدیل شود. در این فرایند تبدیل، ممکن است خرده‌جریان، جای جریان مادر را بگیرد و ممکن است از آن منشعب شود و به جریان رقیب یا مشابه دیگری تبدیل شود.

ز) رویکرد: گرایش‌های عمل‌گرایانه گوناگون درون هر جریان یا خرده‌جریان، که از انسجام نظری برخوردار است و قابلیت دارد که بخشی از اعضای آن جریان یا خرده‌جریان را جذب کند، و درون آن جریان، تفکری خاص و متمایز از بقیه را مطرح یا پیگیری کند.

۶. چند نمونه دسته‌بندی خوشه‌ای

در پایان مقاله، اندیشه چند تن از متفکران ایرانی را، به‌عنوان نمونه، دسته‌بندی می‌کنیم. دسته‌بندی زیر تنها مثال و برپایه حدسیات است و «در مَثَل، مناقشه نیست». قرار دادن اندیشه هریک از متفکران در چارچوب دسته‌بندی خوشه‌ای، به مستندات و شاخص‌های اندیشه‌ای نیاز دارد تا با اطمینان بتوان گفت، اندیشه هر متفکر در قالب کدام گفتمان یا جریان یا رویکرد قرار می‌گیرد.

جدول شماره (۱). نمونه‌ای از دسته‌بندی خوشه‌ای

رویکرد	خرده‌جریان	جریان	کلان‌جریان	گفتمان	کلان‌گفتمان	پارادایم	دسته‌بندی متفکر	
آرمان‌گرا	متمايل به تندروی	انقلابی	روشنفکری دینی	تلفیق‌گرا	احیاگری	اسلامی	علی شریعتی	۱
واقع‌گرا	متمايل به اصلاح‌طلبی	انقلابی	سنت‌گرای حوزوی	تلفیق‌گرا	احیاگری	اسلامی	مرتضی مطهری	۲
واقع‌گرا	فلسفی-علمی	اصلاحی	سنت‌گرای عام	تلفیق‌گرا	احیاگری	اسلامی	سید حسین نصر	۳
واقع‌گرا	علمی-فلسفی	ایدئولوژی‌زدایی از سنت و دین	هویت معنماحور	تلفیق‌گرا	تمدنی	فن‌گرا	دربوش شایگان	۴

نتیجه‌گیری

معیارهایی که تاکنون برای دسته‌بندی اندیشه‌های سیاسی مطرح شدند، بیشتر معیارهای خرد هستند؛ دسته نخست این معیارها برای دسته‌بندی اندیشه‌ها، به مواردی مانند سنت، اسلام، شریعت، اصول‌گرایی، و سلفیه توجه داشته‌اند. در دسته دوم این معیارها، غرب، تجدد، لیبرالیسم، سکولاریسم، سوسیالیسم و موارد مشابه، ملاک تقسیم‌بندی قرار گرفته‌اند. دسته سوم، مؤلفه‌هایی مانند هویت، فرهنگ، ملیت، ملی‌گرایی، و این‌گونه موارد را ملاک تقسیم‌بندی اندیشه‌ها قرار داده‌اند. بهره‌گیری از معیارهای خرد برای دسته‌بندی اندیشه‌های سیاسی، تنها می‌تواند برخی از لایه‌های اندیشه‌های متفکران را نشان دهد و از نشان دادن همه ابعاد آن‌ها در یک بازه زمانی طولانی، ناتوان است. هدف این مقاله، ارائه الگویی بود که بتواند سطوح و لایه‌های گوناگون اندیشه‌های سیاسی را در یک بازه زمانی طولانی نشان دهد و در نتیجه، ابزار دقیق‌تر و عمیق‌تری را برای دسته‌بندی و فهم اندیشه‌های سیاسی در اختیار پژوهشگران قرار دهد.

هر اندیشه‌ای، وجوه و ابعاد متفاوتی دارد و از مراحل گوناگونی گذر کرده است. برای شناخت بهتر و دقیق‌تر اندیشه‌های سیاسی، باید آن‌ها را در سه سطح، تحلیل و دسته‌بندی کنیم. نخست اینکه جغرافیای کلان فکری یا حوزه تمدنی آن اندیشه شناخته شود و بدانیم که در کجای نظام کلان معرفتی جامعه یا تمدن خود قرار دارد. جغرافیای کلان فکری، به‌مثابه پازل یا نقشه‌ای در گستره مکانی و زمانی مورد مطالعه است که شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با هم دارند. در این مرحله، از بیرون به اندیشه‌ها نگاه می‌شود و جایگاه هریک از اندیشه‌های سیاسی موجود در جامعه، و اندیشه مورد مطالعه در آن گستره زمانی و مکانی مشخص می‌شود. این سطح از تحلیل با فهم پارادایم‌ها، گفتمان‌ها، و سیر جریانی آن اندیشه، امکان‌پذیر است و نسبت کلیت آن اندیشه را با اندیشه‌های مشابه و رقیب نشان خواهد داد. سطح دوم این است که اجزای آن اندیشه با نگاه از درون که بیشتر نگاه خرد و مبتنی بر تجزیه و تحلیل اجزای هر اندیشه‌ای است، با استفاده از یکی از روش‌های مناسب، شناخته شود و پیامدها و تأثیرهای مثبت و منفی آن بررسی گردد. این نوع شناخت و دسته‌بندی اندیشه‌ها، همان روش رایج است که به تحلیل سطح نخست نیز کمک خواهد کرد. سطح سوم، شناخت نسبت کلیت اندیشه‌ها با یکدیگر و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری متقابل آن‌ها است که با کنار یکدیگر قرار دادن آن‌ها، این نسبت‌سنجی را امکان‌پذیر می‌کند. «الگوی دسته‌بندی خوشه‌ای» برای اندیشه‌های سیاسی، قالبی را ارائه می‌کند که با استفاده از سطح تحلیل دوم، سطح تحلیل نخست و سوم نیز شکل بگیرد و اندیشه‌های سیاسی در چارچوب یک منطق و الگوی دقیق‌تر و عمیق‌تر شناخته شوند.

برپایه این الگو، در مطالعه و تحلیل اندیشه‌های سیاسی در هر دوره‌ای یا در یک بازه زمانی یک یا چند قرنه، هرچه به جزئیات و مصداق‌ها وارد شویم، اختلاف آرا بیشتر و متنوع‌تر می‌شود، و هرچه اندیشه‌ها را ریشه‌یابی کنیم و به کلیات و مبانی آن برگردیم، اختلاف و تنوع آن‌ها کمتر می‌شود؛ تا حدی که ممکن است طیف گسترده‌ای از اندیشه‌های متنوع و گاهی متضاد و حتی متناقض، در داخل یک پارادایم قرار گیرند. براین اساس، در این الگو، نوعی تبارشناسی اندیشه نیز انجام می‌شود و به‌گونه‌ای ملموس‌تر می‌توان دید که چگونه از منبع و پارادایم یگانه، تنوع و تکثر اندیشه شکل می‌گیرد.*

یادداشت‌ها

۱. محور اصلی کتاب دکتر نصر، تبیین اسلام سنتی و نسبت آن با جریان‌های فکری دیگر است که مطالعه آن برای علاقه‌مندان به این حوزه مفید خواهد بود.
۲. واژه پارادایم "paradigm" از واژه یونانی پارادیگما "paradeigma" "παράδειγμα" گرفته شده و در زبان فارسی به سرمشق، الگو، الگوواره، چارچوب فکری بنیادی، ارزش بنیادی، انگاشت بنیادی، تصور پایه، و موارد مشابه ترجمه شده است. نگارنده مفهوم «شالوده فکری» را برای آن انتخاب کرده بود، ولی هیچ‌یک از این موارد، به‌گونه‌ای قانع‌کننده معنای پارادایم را بازتاب نمی‌دهد. سرانجام به این نتیجه رسیدم که در این متن از خود واژه پارادایم استفاده کنم و به مخاطبان عزیز یادآور شوم که در عرف و زبان علمی، گاهی ترجمه برخی واژه‌های جاافتاده به آسانی امکان‌پذیر نیست و هیچ ترجمه‌ای نمی‌تواند معنای اصلی آن را برساند و به آن آسیب می‌زند، زیرا یک مفهوم علمی، تنها یک کلمه یا مثل یک اسم نیست که بتوان آن را ترجمه کرد، بلکه پیرامون خود یک شبکه معنایی و مفهومی را ایجاد کرده است که این شبکه معنایی، قابل انتقال به آن یک کلمه ترجمه‌شده نیست.
۳. گاهی هر گفتمانی در ذیل خود، چند خرده‌گفتمان یا چند کلان‌جریان را جای می‌دهد. بعید است ذیل یک خرده‌گفتمان، چند کلان‌جریان بتواند شکل گیرد.

منابع

- احمدوند، شجاع؛ زارع، احمد؛ جهانی، محمد (۱۳۹۲)، «گونه‌شناسی جریان‌های سیاسی سلفی»، فصلنامه ره‌یافت انقلاب اسلامی، شماره ۲۵.
- احمدی، حمید؛ علیزاده، حسن (۱۳۸۹)، «بازتولید تاریخی نگرش‌های ذهنی در جهان عرب»، فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره ۸.
- امیدی، مهدی (۱۳۹۴)، «چالش‌های فراروی جریان اسلام‌گرا در مواجهه با جریان سکولار در جهان عرب»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۴۳.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱)، فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بشارتی‌راد، حسن (۱۳۹۴)، «درآمدی بر جریان‌شناسی فکری معاصر در جهان اسلام»، فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۹.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۶)، پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی، ترجمه، تدوین، مقدمه و تعلیقات: حمیدرضا حسنی؛ محمدتقی ایمان؛ سیدمسعود ماجدی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، گفتمان، پادگفتمان و سیاست، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- تاجیک، محمدرضا (به‌اهتمام) (۱۳۷۹)، گفتمان و تحلیل گفتمانی، مجموعه مقالات، تهران: نشر فرهنگ گفتمان.
- حنفی، حسن (۱۹۹۸)، هموم الفكر والوطن، القاهرة: دارقباة لطباعه و النشر و التوزیع.
- حلبی، علی‌اصغر (۱۳۷۲)، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در ایران و جهان اسلامی، تهران: انتشارات بهبهانی.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۱)، اندیشه‌های سیاسی معاصر در جهان عرب، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- _____ (۱۳۸۱)، اندیشه‌های سیاسی معاصر در جهان عرب، تهران: مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- زغلول شلاطه، احمد (۲۰۱۱)، الحالة السلفية المعاصرة في مصر، القاهرة: مکتبه مدبولی.
- سبحانی، محمدتقی (۱۳۸۱)، «درآمدی بر جریان‌شناسی اندیشه اجتماعی دینی در ایران معاصر»، فصلنامه نقد و نظر، سال دوازدهم، شماره ۴۶.
- سیدباقری، سیدکاظم (۱۳۹۴)، اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، قم: پژوهشگاه

- بین‌المللی المصطفی.
- السید، رضوان (۱۳۸۰)، «مراحل گفتمان اسلامی در پاسخ به چالش‌های یک قرن»، ترجمه مجید مرادی، مجله پگاه حوزه، شماره ۱۶.
- شبار، سعید (۲۰۰۱)، «الایدیولوجیا فی‌الفکر العربی المعاصر و مرکب الازمات و الحلول»، بیروت: لبنان: اسلامیه المعرفه: مجلة الفكر الاسلامی المعاصر، السنة السابعة، العدد ۲۵.
- عامری، سامی (۲۰۱۷)، العالمانية، طاعون العصر كشف المصطلح و فضح الدلالة، المملكة العربية السعودية: مؤسسة العلمية الدعوية العالمية.
- عبدالملك، انور (۱۳۸۴)، اندیشه سیاسی عرب در دوره معاصر، ترجمه سید احمد موثقی، قم: دانشگاه مفید.
- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۶)، «روشنفکران ایرانی، مدرنیته و غرب»، ماهنامه کیان، شماره ۳۶.
- _____ (۱۳۷۵)، «روشنفکری و روشنفکری دینی در ایران»، ماهنامه کیان، شماره ۳۴.
- علیخانی، علی‌اکبر و همکاران (۱۳۹۰)، اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- عمار، محمد (۱۹۹۷)، نهضتنا الحديثه بین العلمانیه و الاسلام، بیروت: دارالرشاد.
- _____ (۱۹۹۸)، ازمه الفكر الاسلامی الحديث، بیروت: دارالفکر المعاصر.
- فضل‌العلی، رضا (۱۳۹۶)، «علل ظهور و پیدایش گروه‌های اسلام‌گرای افراطی و پایداری آن‌ها»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۷۸.
- فیرحی، داود (۱۳۸۱)، «جریان‌شناسی اندیشه سیاسی در اسلام معاصر»، روزنامه ایران، شماره ۲۱۴۹، ۲۲ خرداد.
- _____ (۱۳۸۱)، «جریان‌شناسی اندیشه سیاسی»، مجله بازتاب اندیشه، شماره ۲۷.
- فی، برایان (۱۳۸۹)، پارادایم‌شناسی علوم انسانی، مرتضی‌مردیها، تهران: پژوهشگاه مطالعات راهبردی.
- میریچی، شمس‌الله (۱۳۸۶)، «بازشناسی جریان‌های روشنفکری در ایران»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۳۷.
- قادری، حاتم (۱۳۸۸)، اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، تهران: انتشارات سمت.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۷۸)، «سخنی در چند و چون اسلام و لیبرالیسم»، ماهنامه کیان، شماره ۴۸.
- مهدی‌پور، فرشاد (۱۳۹۳)، «گونه‌شناسی جریان‌شناسی‌های فکری-فرهنگی در ایران معاصر»، دوفصلنامه دین و سیاست فرهنگی، شماره ۲.
- نبوی، سیدعبدالامیر (۱۳۸۴)، «ظهور و دگرگونی جریان‌های اسلام‌گرا، مروری بر رویکردها و نظریه‌ها»، دوفصلنامه دانش سیاسی، شماره ۲.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۶)، اسلام سنتی در دنیای متجدد، ترجمه محمد صالحی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- نعمان جلال، محمد (۲۰۰۴)، الواقعية الجديدة فی الفكر العربی: المشروع الفکری للانصاری نموذجاً، لبنان: مرکز دراسات الوحدة العربية.

آسیب‌شناسی نقش اندیشکده‌ها در سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران

عظیم کریمی*

علیرضا سلطانی**

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

برجستگی و توانمندی سازمان‌ها و جوامع موفق در عرصه‌های گوناگون، به‌طور معمول به سازوکارهای موجود در سطوح عالی سیاست‌گذاری آن‌ها مربوط می‌شود، که با تصمیم‌سازی گروهی و مشورتی توانسته‌اند، الگوی موفق و مؤثری را برپایه کارکرد اندیشکده‌ها و مراکز تصمیم‌ساز ایجاد کنند. مقاله حاضر به‌لحاظ هدف از نوع پژوهش‌های توسعه‌ای و به‌لحاظ روش، مقاله‌ای توصیفی-تحلیلی است. داده‌های موردنیاز نیز برپایه پژوهش‌های

* دانش‌آموخته دکترای علوم سیاسی (گرایش سیاست‌گذاری عمومی)، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران، (a.karimi1358@yahoo.com)

** (نویسنده مسئول)، استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (soltani12@gmail.com)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۹/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۸

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره نخست، زمستان ۱۳۹۹، صص ۱۶۳-۱۳۷

کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و مدارک در دسترس پژوهشی گردآوری شده‌اند. در پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از الگوی دیوانسالارانه تصمیم‌سازی، پس از بررسی مزایا و قابلیت‌های اندیشکده‌ها و کارکرد آن‌ها در تصمیم‌سازی در عرصه سیاست‌گذاری خارجی، موانع پیش‌روی فعالیت و اثرگذاری آن‌ها را در روند سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی، بررسی و تحلیل کرده‌ایم. نتایج پژوهش نشان داد که عدم استقلال مالی و اداری، دولتی و شبه‌دولتی بودن، فقدان پیوند ساختاری با سیاست خارجی، و بی‌توجهی به کارشناسان، مهم‌ترین و برجسته‌ترین موانع نقش‌آفرینی اندیشکده‌ها در حوزه سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌آیند.

واژگان کلیدی: اندیشکده‌ها، سیاست‌گذاری خارجی، تصمیم‌سازی، تولید فکر

مقدمه

اندیشکده‌ها در واقع، پلی میان دانش و سیاست‌گذاری هستند و ضمن انجام رسالت پژوهشی و نظری، محل تصمیم‌سازی برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان راهبردی کشورهای متبوعشان به‌شمار می‌آیند. شروع کار اندیشکده‌ها به میانه سده بیستم و پس از جنگ جهانی دوم مربوط می‌شود و بیش از ۹۰ درصد اندیشکده‌ها از سال ۱۹۵۰ به بعد تأسیس شده‌اند. پیچیده‌تر شدن ماهیت مشکلات سیاست‌گذاری، جهانی‌شدن و رشد بازیگران دولتی و غیردولتی، و نیاز به تحلیل‌های دقیق و به‌موقع، از جمله دلایل به‌وجود آمدن اندیشکده‌ها و رشد آن‌ها بوده‌اند. هم‌اکنون بیش از ۶۸۴۶ اندیشکده در دنیا وجود دارد که در زمینه‌های گوناگون به ارائه مشورت به دولتمردان می‌پردازند. امریکای شمالی با داشتن ۲۸/۲ درصد کل اندیشکده‌ها، یعنی چیزی حدود ۱۹۳۱ اندیشکده، در رتبه نخست جهان، به‌لحاظ تعداد، ایستاده است (مک‌گان^۱، ۲۰۱۹: ۲۵).

در واقع، اندیشکده‌ها، حلقه گمشده سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری حکومتی و دولتی هستند. در این میان، نخبگان اجرایی باید دریابند که به‌تنهایی قادر به درک و تحلیل تمام فرصت‌ها و موقعیت‌های تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی نیستند و لازم است که افراد خبره و اندیشمند گردآمده در اندیشکده‌ها — که کارشان تحلیل شرایط داخل و خارج کشور و نیز ارائه ایده‌های نو است — در انجام امور، یاری‌شان دهند. همچنین، اندیشکده‌ها، در بسیاری از کشورها، بازوی پژوهشی قانون‌گذاران هستند، ارتباط پیوسته‌ای با مرکز قدرت دارند، تغذیه فکری قانون‌گذاران و مدیران سیاسی

را به‌عهده دارند، و کارشناسان آن‌ها به‌طور رسمی دربارهٔ مسائل گوناگون، اظهارنظر می‌کنند. بررسی برنامه‌ها و سیاست‌های حوزهٔ فعالیت و نیز شناخت فرصت‌ها و چالش‌های موجود و آینده و در نتیجه، ارائهٔ راهکارها و اندیشه‌های تازه، از جمله مهم‌ترین وظایف اندیشکده‌ها هستند که مبنای نوگرایی، راهبردمداری، و توجه به مزایای رقابتی‌ای مانند فناوری و نیروی انسانی به‌شمار می‌آیند و امکان تصمیم‌گیری کارشناسی‌شده را برای سیاست‌گذاران فراهم می‌کنند (پایا، ۱۳۸۳: ۱۹).

برخلاف کشورهای دیگر که اندیشکده‌ها از شروع تصمیم‌سازی تا اتخاذ تصمیم، در روند سیاست‌گذاری خارجی نقش دارند، در سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران، بیشتر در مرحلهٔ تجزیه و تحلیل سیاست‌ها و تصمیم‌ها پس از اجرا نقش‌آفرینی می‌کنند. با این حال، اندیشکده‌ها در ایران، به شیوه‌های گوناگونی بر روند سیاست‌گذاری خارجی تأثیر می‌گذارند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ایده‌پردازی، تربیت کارشناس، حضور اعضای اندیشکده‌ها در نهادهای حکومتی، گرد هم آوردن کارشناسان خارجی، ارتباط با سیاست‌مداران و تصمیم‌گیرندگان و حساس کردن افکار عمومی به مسائل سیاسی و خارجی. با در نظر داشتن اهمیت و جایگاه اندیشکده‌ها، در این پژوهش، نقش آن‌ها را در سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران، بررسی و آسیب‌شناسی کرده‌ایم.

۱. پیشینه پژوهش

پارمر^۱ (۲۰۰۴) در کتاب «اندیشکده‌ها و قدرت سیاست خارجی»، به نقش و جایگاه اندیشکده‌ها در بالا بردن قدرت سیاست خارجی اشاره کرده و به‌صورت موردی، نقش اندیشکده شورای روابط خارجی و مؤسسه سلطنتی مطالعات را بررسی کرده است. جیمز مک‌گان در «گزارش جهانی وضعیت اندیشکده‌ها در جهان»، گزارش سالانه‌ای را در مورد وضعیت، فعالیت، و رتبه‌بندی اندیشکده‌های سراسر جهان ارائه کرده است. یکی از نکته‌های مهم این گزارش، اشاره به وضعیت اندیشکده‌های فعال در حوزه سیاست خارجی در کشورهای مختلف جهان است. کویبالی و دو آریین (۲۰۱۴) در پژوهشی ۱۰۰ صفحه‌ای با عنوان «اندیشکده‌ها و سیاست خارجی

1. Parmar

ایالات متحده»، نقش اندیشکده‌ها را در سیاست‌گذاری خارجی ایالات متحده بررسی کرده‌اند. این اثر، منبع علمی قابل توجهی درباره نقش و اهمیت اندیشکده‌ها در روند تصمیم‌سازی سیاست‌گذاری خارجی، به ویژه در ایالات متحده امریکا است که می‌تواند به پژوهشگران این عرصه بسیار کمک کند.

مک گان (۲۰۰۷) در کتاب «اتاق‌های فکر و مشاوره سیاسی در امریکا»، اندیشکده‌ها را مؤسسه‌های پژوهشی‌ای معرفی می‌کند که به مردم و دولتمردان، مشاوره می‌دهند. مک گان در این اثر، به نقش اندیشکده به‌عنوان پلی میان جامعه دانشگاهی و سیاستمداران اشاره کرده و محیط‌های دانشگاهی را به زبانی قابل فهم برای مردم و تصمیم‌گیران سیاسی تبیین می‌کند. اندرو سلی، در کتاب «راهنمای راهبردی اندیشکده‌ها» که بهزاد احمدی لفورکی (۱۳۹۳) آن را ترجمه کرده است، اندیشکده‌های تأثیرگذار سیاسی را معرفی، و نقش و جایگاه مؤثر آن‌ها را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و فعالیت‌های این حوزه، واکاوی کرده است، اما به‌طور مستقیم به نقش اندیشکده‌ها در سیاست‌گذاری خارجی نپرداخته، بلکه جایگاه آن‌ها را در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی بررسی کرده است.

عباس عباسی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه‌اش با عنوان «نقش اندیشکده‌ها در تحولات ملی و بین‌المللی»، جایگاه اندیشکده‌ها را در تحولات ملی و بین‌المللی تعریف و بررسی و نقش آن‌ها را در هدایت تحولات یادشده روشن کرده است، اما به حوزه سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران و نقش اندیشکده‌ها در آن اشاره مستقیمی نکرده، بلکه به نقش اندیشکده‌ها در تدوین و تصمیم‌سازی راهبردی در قرن ۲۱ اشار کرده است.

علی اصغر پورمعصوم (۱۳۸۸) در پایان‌نامه خود با عنوان «کانون‌های تفکر و نقش آن در تصمیم‌گیری مدیران»، به‌طور مستقیم به نقش اتاق‌های فکر و اندیشکده‌ها در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مدیران اشاره کرده است، اما در حوزه تصمیم‌گیری خارجی، چندان ورود پیدا نکرده و تنها نگاه گذرای به آن داشته است. دونالد ابلسون بر این نظر است که اندیشکده‌ها در حال خلق، بسته‌بندی دوباره، و فروش ایده‌ها به تصمیم‌سازان و افکار عمومی هستند (آبلسون، ۲۰۰۴: ۲۱۵).

توماس مدوتز^۱، در کتاب اخیرش با عنوان «اندیشکده‌ها در امریکا» آورده است که اندیشکده‌ها به‌عنوان محل تلاقی حوزه‌های دانشگاهی، سیاسی، تجاری، و رسانه‌ای، بر تمام آن‌ها تأثیرگذار بوده‌اند و درعین حال، به‌گونه‌ای فزاینده به بخشی از هریک از این حوزه‌ها تبدیل شده‌اند (مدوتز، ۲۰۱۲: ۱۴). به‌نظر فرد برگستن^۲، بنیان‌گذار مؤسسه اقتصاد بین‌الملل پیترسون^۳، هر اندیشکده‌ای، حتی اگر موفقیت‌های میان‌مدتی داشته باشد، در بهترین حالت، برای خلق یک ایده تا به‌اجرا درآوردن، به یک دهه زمان نیاز دارد (اندرو سلی، ۱۳۹۳: ۱۷).

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به موضوع، به‌لحاظ هدف از نوع پژوهش‌های توسعه‌ای و به‌لحاظ روش انجام، توصیفی-تحلیلی است. شیوه گردآوری منابع و اطلاعات موردنیاز برای آسیب‌شناسی نقش و عملکرد اندیشکده‌ها، پژوهش‌های کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و مدارک بوده است. پژوهش حاضر در پی ارائه یک چارچوب ادراکی در راستای آسیب‌شناسی عملکرد و نقش اندیشکده‌های فعال در سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران است.

۳. چارچوب نظری پژوهش

فرایند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در دوره مدرن، که فرایند پیچیده و منظمی زیر سلطه دولت‌ها بود، در عصر پسامدرن، از نظم و چارچوب پروگراسی سنگین خود خارج شده و با تک‌چرخش در بنیادهای سیاست‌گذاری، به یک فرایند ساده‌تر و تا حدودی، مشارکت‌پذیر تبدیل شده است؛ ازاین‌رو تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در دوره کنونی و با عنوان پسامدرن را می‌توان در چارچوب برخی ویژگی‌های خاص پست‌مدرنیسم، به‌ویژه دو اصل «تکثر چشم‌انداز» و «بی‌نهایتی» معنا قرار داد (ذوالقدرپور، ۱۳۹۵: ۱). اندیشکده‌ها از طریق گسترش آگاهی‌های عمومی درباره مسائل جهانی، زمینه افزایش حساسیت آن‌ها به جهت‌گیری‌های فرامرزی کشور

1. Thomas Medvetz
2. Fred Bergsten
3. The Peterson Institute for International Economics

خود را فراهم می‌کنند. در این کشورها، دولت با یک جامعه حساس به مسائل سیاست خارجی روبه‌رو است. این وضعیت سبب می‌شود که در تدوین و اجرای سیاست خارجی، عنصر افکار عمومی، بیش از گذشته مورد نظر تصمیم‌گیرندگان قرار گیرد (مگ گان، ۲۰۱۹: ۸۴).

برپایه عملکرد و دستاوردهای اندیشکده‌ها، آن‌ها به منظور حل مسائل و معضلات حیاتی‌ای که جوامع با آن‌ها روبه‌رو هستند، در راستای بررسی جامع و تصمیم‌سازی اصولی، و سرانجام، ارائه پیشنهاد اقدام می‌کنند. همان‌گونه که بر اثر عملکرد ویژه، برجسته، و اثرگذار اندیشکده‌ها، امروزه توجه‌ها به سوی این مراکز در هر منطقه معطوف شده است، به درستی می‌توان حساسیت و جایگاه آن‌ها را بیانگر نقش مهم و ضرورت ایجاد این مراکز در حکومت‌ها و جوامع مدنی دنیا دانست (عباسی و یادگاری، ۱۳۹۳، ۶).

در فرایند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری مدرن — که بدینی خاصی به اصول و چارچوب‌های سنتی کشورداری و حکومت وجود داشت — به بوروکراسی و فرایندهای پیچیده تصمیم‌گیری در هرم قدرت در یک کشور به گونه‌ای ویژه توجه می‌شد. رهبران دولت‌ها و امپراتوری‌های عصر مدرنیسم، معمولاً برای حل مشکلات پیش‌روی جامعه و اداره آن، تنها از دیدگاه‌های تعداد محدودی از وفاداران خود استفاده می‌کردند. این فرایند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری — که در بسیاری از کشورهای جهان مرسوم بود — با تغییر وضعیت و ظهور پست‌مدرنیسم، کم‌اثر شده و فرایند سیاست‌گذاری، وارد دوره شکوفایی خود شد؛ این شکوفایی را باید ناشی از گسترش یا باز شدن دایره تصمیم‌سازان و سیاست‌گذاران دانست (عباسی و یادگاری، ۱۳۹۳، ۱). با پذیرش اصل «تکثر چشم‌اندازها» بود که دایره مشاوران و تصمیم‌سازان گسترش یافت، تعداد بیشتری از اندیشمندان و عالمان به فرایند تصمیم‌گیری وارد شدند، و دیدگاه‌های طیف‌های بیشتری از جامعه در تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری‌ها، مورد توجه و اهتمام قرار گرفت. با استناد به دو اصل پست‌مدرن، یعنی «بی‌نهایتی معنا» و «تکثر چشم‌اندازها» بود که یک رویداد یکسان، در نظر تصمیم‌سازان و سیاست‌گذاران مختلف، دارای معناها و تفسیرهای متفاوتی شد و این معانی و تفسیرهای متفاوت نیز در فرایند سیاست‌گذاری‌ها، مورد احترام

و توجه قرار گرفت (عباسی و یادگاری، ۱۳۹۳، ۲). با گسترش دامنه حکومت‌های مردم‌سالار و حکمرانی مشارکتی در غرب بود که حاکمان به فکر اتخاذ تصمیم‌های بهتر و سیاست‌گذاری‌های عمومی پذیرفتنی‌تری افتادند. یکی از راه‌های استفاده از نخبگان، به‌ویژه در حوزه دانشگاهی آن، ایجاد محافظی برای مشورت و رایزنی جمعی بود که نام «اندیشکده» را بر آن نهادند.

از آنجاکه نظریه‌های مربوط به تصمیم‌گیری، چگونگی اتخاذ تصمیم‌ها را نیز در نظر می‌گیرند، می‌توان با مطالعه آن‌ها مشخص کرد که آیا برای اندیشکده‌ها در مرحله سیاست‌گذاری (تصمیم‌سازی) نقشی قائل هستند یا خیر؟ در ادامه، ضمن اشاره کوتاهی به هریک از این الگوها، جایگاه و نقش اندیشکده‌ها در آن‌ها بررسی شده است.

۱-۳. الگوی عقلایی^۱

در این الگو، دولت، مرجع تصمیم‌گیری و کانون قدرت به‌شمار می‌آید. سیمون^۲، به‌عنوان یکی از طراحان این الگو، بر این نظر است که سیاست‌گذاران، ماتریسی را پیش روی خود تشکیل نمی‌دهند که تمام بدیل‌های در دسترس و ارزیابی احتمال‌های مربوط به پیامدهای موردانتظار را در اختیار آن‌ها قرار دهد. او بر این نظر است که واحدهای تصمیم‌گیری، تنها تا زمانی به ارزیابی بدیل‌ها می‌پردازند که به بدیلی که از حداقل میزان قابل‌پذیرش بودن برخوردار باشد، دست یابند. به‌نظر او، محدودیت مساوی و نامساوی تصمیم‌گیرندگان، به‌عنوان ایجادکنندگان بدیل‌ها، تحلیل‌کنندگان اطلاعات و ارائه‌دهندگان راه‌حل برای مشکلات فرایند تصمیم‌گیری را با محدودیت‌هایی روبه‌رو می‌کند. به‌دلیل وجود این محدودیت‌ها، عمل عقلانی نیازمند ساده‌سازی الگوها است که این موضوع باعث می‌شود، هدف اصلی تصمیم‌گیری‌ها، حل مشکل باشد (سیمون، ۱۹۶۰: ۷۷-۶۹).

در مجموع، هرچند تصمیم‌سازان باید منافع و پیامدهای تصمیم‌ها را ارزیابی کنند، به این دلیل که در بیشتر موارد، تصمیم‌گیرندگان، کارشناسان (اندیشکده‌ها)

1. Rational Pattern

2. Simon

محدودی را برای عرصه‌های گوناگون در اختیار دارند، اغلب رهبران به مشاوران خود روی می‌آورند. واقعیت این است که اندیشکده‌ها، ایده‌های خود را به تصمیم‌گیران منتقل می‌کنند، ولی از آنجاکه اغلب، این کار را از راه برگزاری همایش‌ها، انتشار مجله‌ها و کتاب‌ها، و روش‌های دیگر (به‌طور غیرمستقیم) انجام می‌دهند، احتمال دارد که نقش آن‌ها در مباحث مهم سیاسی نادیده گرفته شود؛ بنابراین، در این رویکرد، اندیشکده‌ها، نقش و جایگاه چشمگیری ندارند (آبلسون^۱، ۱۹۹۸: ۱۰۶-۱۰۷).

۲-۳. الگوی دیوان‌سالارانه تصمیم‌سازی^۲

گراهام آبلسون^۳، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان این الگو، آن را از زاویه تصمیم‌گیری در سازمان و براساس ضوابط و معیارهای سیمون برای تصمیم‌گیری مطرح می‌کند. الگوی دیوان‌سالارانه تصمیم‌گیری، یک الگوی توصیفی است. این الگو نشان می‌دهد که واقعه تصمیم، چگونه رخ می‌دهد و در آن، فرض بر این است که تصمیم‌گیرندگان به‌طور کامل، عقلایی عمل نمی‌کنند، بلکه در محدوده‌ای از زمینه‌ها، ادراک از بدیل، و توانایی تصمیم، عقلایی رفتار می‌کنند. اگر در الگوی عقلانی، اهداف کاملاً روشن هست، در اینجا ممکن است اهداف، با توجه به مسیر تصمیم تغییر کنند (گردون^۴ و همکاران، ۱۹۸۴: ۶۵).

نظریه آبلسون، مبتنی بر این مفروض است که حکومت یک کشور، مجموعه یکپارچه‌ای نیست؛ برعکس، حکومت، متشکل از هرمی از سازمان‌های گوناگون تصمیم‌گیری است؛ بنابراین، تصمیم‌ها به‌ناچار از گذرگاه این سازمان‌های مسئول می‌گذرند. در مجموع، این الگو نیز مراکز و سازمان‌هایی (مانند اندیشکده‌ها) را که خارج از نظام دیوان‌سالاری عمل می‌کنند، نادیده می‌گیرد. هرچند برپایه آن، اندیشکده‌ها در صدد نفوذ و اثرگذاری بر افکار عمومی بوده و برای گسترش روابط

-
1. Abelson
 2. Bureaucratic model of decision making
 3. Alison
 4. Gordon

خود با حکومت، بسیار تلاش می‌کنند (آبلسون^۱، ۱۹۹۸: ۱۱۰-۱۰۹).

۳-۳. الگوی روانشناختی تصمیم‌سازی^۲

جانیس و مان^۳ در الگوی روانشناختی خود بر این نظرند که کلید فهم تصمیم‌گیری این است که انسان، موجودی احساسی است. مقامات دولتی که تصمیم‌های مهم تأثیرگذار بر سرنوشت کشور را می‌گیرند، با میزان بیشتری از خودمحدودسازی تعهدآمیز روبه‌رو هستند، موقعیت‌های پیشین را ارزیابی می‌کنند تا به دستاورد موردنظر خود برسند، هم‌زمان نیز به‌شدت نگران هزینه‌های سنگین و احتمال خطر باخت هستند (فریر^۴ و همکاران، ۲۰۰۳: ۳۰). با این تعبیر، محرک اولیه تصمیم‌گیری سیاسی این نیست که پایداری روش معرفت‌شناختی و منطقی تصمیم‌گیری را حفظ کند، بلکه آنان در پی این هستند که بین تعارض‌های احساسی حاکم بر تصمیم‌گیری، نوعی سازگاری ایجاد کنند. تصمیم‌گیرنده سیاسی، همواره درصدد این است که تعارض‌های حاکم بر فضای تصمیم‌گیری را حل کند یا به‌عبارتی به حل گرایش‌های متعارض قبول و ردی که در مورد یک اقدام خاص، وجودش را فرا گرفته است، نائل آید (سیف‌زاده، ۱۳۷۵، ۱۷۶-۱۷۵). برپایه مطالب بیان‌شده می‌توان به این استنباط رسید که هرچند اندیشکده‌ها قادر به شکل‌دهی محیط اتخاذ خط‌مشی‌ها هستند، ولی اندیشمندان این الگو، توجه چندانی به این موضوع ندارند و برای اندیشکده‌ها جایگاهی قائل نمی‌شوند.

۳-۴. الگوی سیستمی تصمیم‌گیری^۵

پژوهشگران در این رویکرد از قدرت تبیینی بیشتری برخوردار هستند؛ به‌گونه‌ای که برپایه آن، تصمیم‌سازی به‌منابه جزء مهمی از فرایند «طرح موضوع تا حل مسئله» مطرح است و درعمل، بسیاری از مراکز پژوهشی و اندیشکده‌ها می‌توانند در این

1. Abelson
2. Psychological model of decision making
3. Janis and Mann
4. Fryer
5. Systemic Decision Model

فرایند، به ایفای نقش پردازند (آقاجانی و عسگری، ۱۳۹۰: ۱۵۱).

۴. اندیشکده‌ها و ضرورت تشکیل

اندیشکده‌ها، مراکزی برای سیاست‌پژوهی و فراهم کردن عوامل سیاست‌گذاری در حوزه عمومی هستند؛ با وجود این، افرادی که بخواهند در این مدار قرار گیرند، باید دارای روحیه جمع‌پذیری، جمع‌اندیشی در حل مسائل بزرگ، تولید و خلق ایده، و امکان تعیین سیاست‌ها و راهبردهایی برای دولت در حوزه عمومی باشند. هدف اندیشکده‌ها، آینده‌پژوهی، تفکر، سیاست‌پژوهی، و آموزش مدیران و سیاستمداران راهبردی برای سیاست‌گذاری است. این کانون‌ها در پی تعلیم مدیران راهبردی برپایه تفکر بنیادین، راهبردی، و کاربردی به صورت توسعه‌ای برای دولت و حکومت در جامعه سیاسی است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۵: ۴۳).

تشکیل اندیشکده‌ها برای جوامع گوناگون در سطوح محلی، ملی، و بین‌المللی، یک ضرورت تاریخی است. هرچند به سبب فقر در جامعه علمی، این ضرورت به سختی درک شده است، لازم است که متناسب با نیاز جامعه و سازوکار اندیشکده‌ای شکل گیرد.

ایجاد اندیشکده‌ها به دو سبب برای دنیای امروز اهمیت دارد:

۱. شناسایی ناکارآمدی‌های دولت در عرصه‌های گوناگون توسعه در چارچوب حکمرانی خوب؛

۲. رفع ناکارآمدی‌ها و کارآمدسازی دولت برای ارتقای امور مادی و معنوی مردم کشور (گروه نویسندگان، ۱۳۹۵: ۲۹).

فعالیت اندیشکده‌ها باید به رفع ناکارآمدی‌ها بینجامد و در عین حال لازم است که برای پیشرفت و تکامل ملی، توجیه مناسبی داشته باشند. اندیشکده‌ها باید در شرایط مناسب قرار گیرند تا بتوانند ناهمواری‌های مسیر توسعه واقعی را شناسایی و شناسایی کنند و راهکارهایی برای رفع آن ارائه دهند. با وجود این، کارآمدسازی اندیشکده‌ها نیازمند مدیریت کارآمد، و نیروی انسانی اندیشمند و خلاق برای برنامه‌ریزی و آموزش در تمام عرصه‌های آموزشی کشور است. در دوره کنونی، سه عامل بر ضرورت تشکیل اندیشکده‌ها تأثیرگذار هستند:

۱. برنامه‌گرایی دولت برپایه تفکر جمع‌اندیشانه که با پیشخوانه اندیشکده‌ها قابل‌توجه خواهد بود؛

۲. دانش‌آموختگی گسترده با شعار ملی تفکر و ارتقای منطق فکر در جامعه، دولت، و حکومت؛

۳. نخبه‌گرایی و اندیشه‌محوری که پایه هر جامعه، دولت، و حکومت توانایی است (گروه نویسندگان، ۱۳۹۵: ۳۰).

اندیشکده‌ها به دلیل داشتن تفکر راهبردی متولیان و نخبگان فعال در آن‌ها و با به‌کارگیری کارشناسان فراوان و انجام پژوهش‌های بین‌رشته‌ای، خوراک فکری لازم را در حوزه‌های گوناگون برای مدیران و سیاست‌گذاران جامعه تأمین می‌کنند. آن‌ها فرصت‌ها و چالش‌ها را بازمی‌شناسند و در این راستا و با هدف ترویج و درگیر کردن فرماندهان، دولتمردان، و مدیران، انواع گوناگون همایش‌ها و کارگاه‌های آموزشی را با حضور دانشوران و سیاست‌گذاران برگزار می‌کنند (ویور، ۲۰۱۷).

هدف اصلی اندیشکده‌ها، سیاست‌پژوهی بنیادین برای مهندسی حکومت جامعه و دولت برپایه نیاز کنونی و آینده بشر است. چنین هدفی با دو رویکرد دنبال می‌شود:

۱. سیاست‌پژوهی به‌صورت یک راهبرد ملی برای ارتقای توانایی سیاست‌گذاری ملی و بین‌المللی و عمل براساس عقلانیت تفکر و توجه فکری؛

۲. تأثیرگذاری الگوهای سیاست‌پژوهی بر روند جاری دولت، حکومت، و افکار عمومی (گروه نویسندگان، ۱۳۹۵: ۴۴).

انگیزه و کارکرد اندیشکده‌ها و پژوهشگران آن‌ها، خواه دارای انگیزه سیاسی باشند یا انگیزه پژوهشی، یا ترکیبی از هر دو، بر آرایش راهبردی، یعنی کار منحصربه‌فردی که انجام می‌دهند، تأثیری ندارد؛ به بیان دیگر، آرایش راهبردی همه پژوهشکده‌ها یکسان است. آبه لوئیتل^۲، بنیانگذار گفتمان سیاست امریکایی^۳ و شورای سیاست بین‌الملل اقیانوس آرام، بر این نظر است که «رهبران اندیشکده‌ها

1. Weaver

2. Abe Lowenthal

3. Intern- American Dialogue

ابتدا باید تصمیم بگیرند که قصد دارند چه تأثیری بگذارند و سپس، قلمروی بسازند که دیگران آرزویش را دارند و تاحدی مشهور شوند که در آن حوزه، همه به آنها رجوع کنند» (لفورکی، ۱۳۹۳: ۵۸).

۵. نقش اندیشکده‌ها در سیاست‌گذاری خارجی

روند تحولات جهانی در دهه‌های اخیر، سبب پیچیدگی معادلات بین‌المللی در سطوح فردی و کلان شده است. شتاب و تنوع دگرگونی‌ها، درگیری‌ها، و رویدادهای منطقه‌ای و بین‌المللی باعث شده است که بازیگران رسمی نظام بین‌الملل در امور خارجی، به‌تنهایی قادر به کنترل این مسائل نباشند. در چنین شرایطی، ضرورت بهره‌گیری از توانایی و دستاوردهای مراکز فکری و پژوهشی برای تأمین جنبه‌های شناختی تصمیم‌های سیاست خارجی، اهمیت زیادی پیدا کرده و شرایط نقش‌آفرینی این‌گونه مراکز فراهم شده است.

این مراکز در حوزه سیاست‌گذاری خارجی، به‌مثابه مخازن فکری ایده‌سازی، تولید علم، آموزش نیروی انسانی، و مشروعیت بخشیدن به سیاست‌های کشورها یا مشروعیت‌زدایی از سیاست‌های بازیگران رقیب و تخریب وجهه آن، نقش مهمی دارند. آنها بخش جدایی‌ناپذیر سیاست خارجی کشورهای توسعه‌یافته به‌شمار می‌آیند که با تدوین سیاست خارجی و طراحی سناریوهای فراوان برای موضوع‌های گوناگون، کنشگران و نخبگان سیاسی را از مزیت‌ها و هزینه‌های هر سناریو آگاه می‌کنند. اندیشکده‌ها در تحول سیاست خارجی، شکل‌دهی عقل متعارف، و تنظیم موضوع‌های راهبردی در عرصه سیاست و سیاست‌گذاری در سطوح محلی، ملی، و بین‌المللی، نقش حیاتی‌ای دارند. کاربرد آنها در تحلیل، مشاوره، و خط‌مشی‌گذاری مستقل از احزاب و دولت‌ها است. کارکرد ابتدایی این مراکز، به‌عنوان نهادهای جامعه مدنی، فهم و درک نگرانی‌های ملی و بین‌المللی است (لبخنده و کریمی‌فرد، ۱۳۹۵: ۵۶).

در سال‌های اخیر، اصلی‌ترین حوزه فعالیت اندیشکده‌ها، موضوع‌های سیاست، حکومت، قدرت، و امنیت بوده‌اند. به‌طور کلی، مهم‌ترین کارکردها و نقش‌های اندیشکده‌ها در امر سیاست‌گذاری خارجی عبارتند از:

۵-۱. تدوین راهبرد مناسب

مهم‌ترین کارکرد اندیشکده‌ها، ارائه افکار و ایده‌های جدید و کمک به تدوین راهبرد مناسب سیاست خارجی است. این مراکز با انجام پژوهش‌های گوناگون درباره سیاست خارجی، نقش مهمی در شناخت مسائل بین‌المللی دارند.

۵-۲. تربیت‌کننده نیروی انسانی

اندیشکده‌ها در تأمین و تربیت نیروهای انسانی برای دستگاه‌های مرتبط با سیاست‌گذاری خارجی، نقش پررنگی دارند.

۵-۳. کمک به واکنش مناسب

سومین نقش اندیشکده‌ها، ارائه تحلیل‌های کوتاه از مسائل و رویدادهای روزمره در عرصه بین‌المللی است. تحلیل و تفسیر دقیق رویدادها توسط این مراکز، به دولت‌ها در شناخت بهتر مسائل، بسیار کمک می‌کند.

۵-۴. ارائه مشاوره

مسئولان حوزه سیاست خارجی می‌توانند در تصمیم‌گیری‌ها از این مراکز مشاوره بگیرند.

۵-۵. تأثیرگذاری غیرمستقیم

اندیشکده‌ها با چاپ کتاب و برگزاری همایش، میزگرد، و انجام مصاحبه‌های مطبوعاتی و ارائه راهکارهای مناسب از این طریق، به‌گونه‌ای غیرمستقیم بر سیاست‌گذاری خارجی تأثیر می‌گذارند.

۵-۶. تنوع دیدگاه‌ها، راهکارهای فراوان

تعداد فراوان اندیشکده‌ها در حوزه مسائل سیاست خارجی و امور بین‌الملل، سبب ارائه دیدگاه‌های متنوع می‌شود که تصمیم‌گیرندگان این حوزه را با راهکارهای فراوانی روبه‌رو می‌کند.

۵-۷. استفاده بهینه از تجربه

اندیشکده‌ها معمولاً مکان مناسبی برای مقاماتی به‌شمار می‌آیند که به‌طور دائم از

دولت جدا شده‌اند و علاقه دارند که در زمینه سیاست خارجی با آن‌ها همکاری داشته باشند.

۸-۵. تربیت نخبگان سیاسی

اندیشکده‌ها با تربیت نخبگان سیاسی، نقش پررنگی در دستیابی این افراد به جایگاه‌های عالی‌رتبه حوزه سیاست خارجی و امنیت ملی کشورها دارند.

۹-۵. کمک به دیپلماسی

یکی دیگر از نقش‌های مهم اندیشکده‌ها، ایجاد مسیر برای دیپلماسی است. در مواردی که میان دو یا چند کشور اختلاف‌هایی بروز می‌کند، این محافل با دعوت از طرف‌های درگیر یا گرایش‌های فکری-سیاسی گوناگون، در قالب نشست‌های باز یا بسته، گفت‌وگو می‌کنند که این کار، نقش بسزایی در ایجاد روابط دارد (کریمی‌فرد، ۱۳۹۵: ۶۷-۶۵). امروزه در دو سوی آتلانتیک، صدها اندیشکده وجود دارد که نقش بسزایی در شکل‌گیری سیاست‌های اروپایی، امریکا، و بسیاری از مناطق دیگر ایفا می‌کنند و سیاست‌گذاران اروپایی، به‌سختی می‌توانند فعالیت‌ها و اقدامات این مراکز را نادیده بگیرند. این مراکز، گاهی در مقام دوستانی یاری‌رسان و گاه به‌صورت منتقدانی دردرساز ظاهر می‌شوند و نه‌تنها از ظرفیت درک عمیق عرصه تصمیم‌سازی برخوردارند، بلکه می‌توانند با طرح مسئله‌ای خاص و برجسته کردن آن، با بخش گسترده‌تری از جامعه مردم ارتباط برقرار کنند و بر سیاست‌ها تأثیر بگذارند.

اندیشکده‌های غیرایدئولوژیک اروپا، معمولاً با جذب کارشناسان خبره و بی‌طرف، نقش پررنگی در شناخت و اتخاذ تصمیم درست در سیاست خارجی اروپا ایفا می‌کنند. این اندیشکده‌ها، ضمن هم‌سویی با سیاست خارجی، با همکاری نهادهای پژوهشی دیگر، سفرهای مطالعاتی به مراکز سیاسی کشورهای اروپایی و بخش‌های دیگر جهان را برنامه‌ریزی و اجرا می‌کنند (لرنر^۱، ۲۰۱۸: ۳۴۹).

اندیشکده‌ها به روش‌های گوناگونی، امکان آگاهی از مسائل جهانی را برای

شهروندان خود فراهم می‌کنند؛ به‌عنوان نمونه، در ایالات متحده آمریکا، شوراهای مرتبط با مسائل جهانی، گردهمایی‌های ارزشمندی را در سراسر کشور برگزار می‌کنند که در آن‌ها میلیون‌ها نفر، از جمله دانشجویان قادر به بحث دربارهٔ وقایع بین‌المللی، شرکت می‌کنند. در سال ۱۹۹۹، مؤسسه «آسپین» پویش «ابتکار و وابستگی جهانی» را به‌راه انداخت. این ابتکار، تلاش ده‌ساله‌ای برای آگاه‌سازی افکار عمومی به‌گونه‌ای درست و برانگیختن مؤثر حمایت عمومی از آن‌دسته از فعالیت‌های بین‌المللی آمریکا است که متناسب و منطبق با اصل وابستگی متقابل جهانی است (امیری، ۱۳۸۴).

۶. تاریخچه و جایگاه اندیشکده‌ها در ایران

موضوع اندیشکده‌ها، موضوع تازه و نوینی است که در تعاملات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی تأثیر مثبتی دارد و توسعه آن‌ها، برای آن‌دسته از سازمان‌هایی که با قشرهای متفاوت جامعه سروکار دارند، باعث شده است که اندیشکده‌ها امروزه از جایگاه مهم‌تری در روند تصمیم‌گیری آن‌ها برخوردار باشند.

۷. تاریخچه اندیشکده‌ها در ایران

اندیشکده‌ها، اتاق‌های فکر، یا انجمن‌ها و محافل اندیشه‌ورز و متفکر، در ایران پیشینهٔ تاریخی طولانی‌ای دارند، اما پیشینهٔ اندیشکده مدرن در ایران را می‌توان در برخی مؤسسه‌های خاص عصر پهلوی، مانند «انجمن شاهنشاهی فلسفه» (۱۳۵۲)، «بنیاد فرهنگ ایران» (۱۳۴۳)، و «سازمان گفت‌وگوی فرهنگ‌ها» (۱۳۵۵) یافت. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ بود که بسیاری از نهادهای مشورتی دارای ماهیت اتاق فکر در ایران شکل گرفتند و نخبگانی که سال‌ها، خارج از فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی بودند، از طریق مؤسسه‌ها و اندیشکده‌ها به فرایند تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری وارد شدند. در فرایند تثبیت نظام جمهوری اسلامی در سال‌های نخست انقلاب بود که بسیاری از انجمن‌ها و محافل فکری و اندیشه‌ای که ماهیت اتاق فکر یا اندیشه‌ای داشتند، مورد حمله و سرزنش نهادها یا افراد انقلابی قرار گرفتند و تعطیل یا حتی منحل شدند. این روند انقلابی انحلال و تعطیلی اندیشکده‌ها موجب شد که آسیب جبران‌ناپذیری به دستگاه فکری در حوزه سیاست‌گذاری و ادارهٔ امور کشور در طول

دهه نخست جمهوری اسلامی وارد شود (امیری، ۱۳۸۴: ۳).

پس از پایان جنگ و با آغاز دهه ۱۳۷۰، انجمن‌ها و مؤسسه‌های اندیشه‌محور دوباره ظهور کردند و جایگاه خود را در فرایند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری ایران به دست آوردند. حمایت قاطع و پیوسته مقام رهبری از تشکیل اندیشکده‌ها و تلاش نسل دانشگاهی دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ برای ایجاد مراکز فکری، موجب شکوفایی اندیشکده‌ها در نظام سیاسی و اداری ایران شد. سال ۱۳۷۱، زمان شروع رسمی فعالیت اندیشکده‌ها در ایران است که با بحث‌های مربوط به مفاهیم فکری با دو رویکرد زیر آغاز شد:

۱. شناسایی افکار غربی؛

۲. شناسایی افکار بومی.

دوره دوم فعالیت اندیشکده‌ها از سال ۱۳۷۷ شروع شد و تا سال ۱۳۸۳ ادامه یافت. در این دوره، بیشتر بحث‌های مطرح‌شده در اندیشکده‌ها، درباره منطق بنیادین فکر بوده است؛ مسائلی مانند مسئله فکر، نظریه‌های فکر، کارگاه‌های فکرسازی، و تکنولوژی فکر. دوره سوم فعالیت اندیشکده‌ها از سال ۱۳۸۵ شروع شد و همچنان ادامه دارد. در این دوره بیشتر وزارتخانه‌ها، نهادها، و سازمان‌های دولتی درصدد تشکیل اندیشکده برآمدند تا از طریق آن در حوزه‌های مربوط به سیاست‌گذاری مطلوب اقدام کنند (<http://ewis.ir>).

رهبر انقلاب در این باره به مسئولان توصیه می‌کنند: «از جمله نیازهای شما، یک مجموعه اندیشه‌ورز است. من دلم می‌خواهد ما گرت‌برداری از لغات خارجی را کمتر کنیم. متأسفانه کم‌کاری‌های ما موجب شده که گرت‌برداری کنیم. اتاق فکر، درست ترجمه‌ای از انگلیسی است. من دلم نمی‌خواهد کلمه اتاق فکر را به کار ببرم، اما چاره‌ای نیست. یک مجموعه فکری درست کنید، همان اتاق فکر در مراکز؛ این‌ها بنشینند فکر کنند، فکرهای عالی بکنند. از افراد مطمئن، خاطر جمع، و خوش فکر استفاده کنید» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹).

۷-۱. دولت‌های نهم و دهم

طرح «مشاوران جوان» از ابتدای دولت‌های نهم و دهم با هدف تولید فکر و اندیشه

پویا و به‌منظور کمک به نخبه‌پروری سیاسی و اجتماعی و گردش نخبگان اجرا شد. «مشاوران جوان»، به‌مثابه اندیشکده‌ای با نقش مشاوره و تصمیم‌سازی بودند و در این راستا از تجربه‌های مدیران استفاده می‌کردند. این گروه، ابتدا در پی توسعه کمی نبودند، بلکه نگاه کیفی را دنبال می‌کردند و بر مشارکت جوانان در تصمیم‌سازی‌های کشوری تأکید داشتند. سیاست «مشاوران جوان» دولت‌های نهم و دهم، چندان مبتنی بر شایسته‌گزینی و انتخاب اندیشه‌ورزان جوان نبود. یکی از مهم‌ترین دلایل ضعف دولت‌های محمود احمدی‌نژاد در فضای اجتماعی و اداری را باید ناشی از همین مجموعه ناکارآمد مشاوران و تصمیم‌سازان دانست.

افزون‌براین، در این دوره، دولت بسیاری از مؤسسه‌ها یا اندیشکده‌های مهم و باسابقه را که به نهادهای بنیادین تصمیم‌ساز و سیاست‌گذار تبدیل شده بودند، به سبب عدم کارایی مناسب (به‌جای بازسازی) محدود یا حتی منحل کرد. یکی از مهم‌ترین مجموعه‌های تصمیم‌گیری منحل‌شده در این دوره، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور بود که در سیاست‌گذاری ایران، جایگاه ویژه‌ای داشت. سیاست دولت‌های نهم و دهم در ایجاد تغییر در اندیشکده‌ها و تشکیلات سیاست‌گذاری در ایران، موجب ایجاد یک تلنگر بسیار مناسب برای اندیشه‌ها و حتی نهادها و سازمان‌های سیاست‌گذار ایران شد تا از خواب عمیق چندساله خود خارج شوند و با تغییر برنامه‌ها و تقویت سیاست‌های خود، بقایشان را حفظ کنند.

۲-۷. دولت یازدهم

با تغییر دولت و آغاز به‌کار دولت یازدهم، مجموعه‌های اندیشه‌ای و فکری در اطراف دولت و شخص حسن روحانی تشکیل شدند. اندیشه‌ورزان یادشده در قالب اتاق‌های فکری متشکل شدند که به حزب یا جناح خاصی اختصاص نداشتند و معمولاً از همه جریان‌های فکری کشور، دور هم جمع شدند و به ارائه نظر و مشاوره به دولت پرداختند؛ هرچند بخش عمده این مشاوران، از یک نهاد مهم تصمیم‌ساز و سیاست‌گذار، یعنی مجمع تشخیص مصلحت نظام و به‌ویژه مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت بودند. اندیشکده‌های دولت یازدهم که از ابتدا قرار بود در حوزه‌های مختلف، مانند اندیشه‌ورزی تشکیل شوند، در بعد

کوچک و استانی آن، در همه استان‌های کشور و بیشتر زیر نظر و با بودجه استانداری‌ها شکل گرفتند و جلسه‌هایی نیز توسط مسئولان آن‌ها که بیشتر آن‌ها منتخب دولت بودند برگزار شد. شاید بتوان گفت، یکی از کاستی‌های اندیشکده‌های دولت یازدهم، غلبه اکثریت افراد مسن و سالخورده در این اندیشکده‌ها است؛ پدیده‌ای که در خود دولت نیز رواج داشته است.

جدول شماره (۱). برترین اندیشکده‌های فعال در حوزه سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران

سال تأسیس	محل فعالیت	اندیشکده‌ها	
۱۳۶۲	تهران	مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی	۱
۱۳۶۸	تهران	مرکز تحقیقات استراتژیک	۲
۱۳۷۴	تهران	مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی	۳
۱۳۷۶	تهران	مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری	۴
۱۳۶۷	تهران	مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه	۵
۱۳۷۹	تهران	مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران	۶
۱۳۷۶	تهران	پژوهشکده مطالعات راهبردی	۷
۱۳۸۲	تهران	انجمن علوم سیاسی ایران	۸
۱۳۸۰	تهران	انجمن ایرانی روابط بین‌الملل	۹
۱۳۸۳	تهران	مرکز بین‌المللی مطالعات صلح	۱۰
۱۳۸۳	تهران، خاورمیانه، اروپا	مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)	۱۱
۱۳۸۷	تهران	مؤسسه مطالعاتی و تحقیقاتی آفریقا (آفران)	۱۲
۱۳۹۴	تهران	انجمن علمی مطالعات صلح ایران	۱۳

۸. ساختار تصمیم‌گیری در سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران

بحث ساختار تصمیم‌گیری، یکی از اصلی‌ترین مباحث‌های سیاست‌گذاری خارجی است و این مقوله، چه به لحاظ ترکیب و چه از نظر کیفیت، می‌تواند در کارایی دستگاه سیاست خارجی، تأثیرگذار باشد. مشخص بودن مقامات و مراجع تصمیم‌گیری در یک نظام سیاسی، یکی از نشانه‌های پختگی و اقتدار آن حکومت در حوزه سیاست‌گذاری خارجی است. بسیاری از کشورها، دارای دو نوع ساختار تصمیم‌گیری در سیاست‌گذاری خارجی خود هستند: ساختار رسمی و غیررسمی. نوع ساختار تصمیم‌گیری کشورها، به نوع نظام حاکم بر آن‌ها بستگی زیادی دارد؛ به گونه‌ای که کشورهایی که دارای نظام پیچیده سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی هستند و گروه‌بندی‌های اجتماعی، احزاب سیاسی، و افکار عمومی بر تصمیم‌گیری‌های مربوط به اداره کشور تأثیر می‌گذارند، هر دو نوع ساختار رسمی و غیررسمی تصمیم‌گیری قابل مشاهده است.

هریک از این ساختارها، به شکل زیر، قابل تعریف است.

ساختار رسمی تصمیم‌گیری در سیاست‌گذاری خارجی عبارت است از: سازمان‌ها، نهادها، و مقامات تصمیم‌گیرنده‌ای که حدود اختیارات و حوزه صلاحیت‌های هر یک از آن‌ها به روشنی در قانون اساسی کشور تعیین شده است. ساختار غیررسمی عبارت است از: تشکل‌ها و گروه‌بندی‌هایی که در فرایند توزیع قدرت در قانون اساسی کشور، سهمی از قدرت به آن‌ها تعلق نگرفته است، ولی به روش‌های گوناگونی در جریان تصمیم‌گیری در سیاست‌گذاری دخالت کرده و بر تصمیم‌هایی که گرفته می‌شود، تأثیر می‌گذارند. در جمهوری اسلامی ایران هر دو ساختار رسمی و غیررسمی وجود دارند. گاهی گروه‌های سیاسی، اجتماعی، مذهبی، و اقتصادی به تصمیم‌گیری‌ها و اعمال سیاست‌های اتخاذشده از سوی ساختار رسمی، واکنش نشان می‌دهند و در برخی موارد، مشارکت واقعی دارند. از میان این گروه‌ها می‌توان به افکار عمومی، مطبوعات، ائمه جمعه، مراجع تقلید، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بازار، انجمن‌های اسلامی، نهادهای انقلابی، دانشجویان و... اشاره کرد که نشان می‌دهد، در این ساختار غیررسمی، اندیشکده‌ها جایگاه پررنگی در روند تأثیرگذاری ندارند.

نهادهای مربوط به ساختار رسمی تصمیم‌گیری در سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران که به لحاظ قانونی دارای صلاحیت و اختیارات تصمیم‌گیری در سیاست خارجی هستند، عبارتند از:

۱. مقام رهبری؛
۲. قوه مجریه؛
۳. قوه مقننه؛
۴. شورای عالی امنیت ملی.

۹. چالش‌های ساختاری سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران

سیاست‌گذاری خارجی، به مجموعه توانایی‌ها، قابلیت‌ها، و سازوکارهای یک واحد سیاسی به منظور افزایش بهره‌وری از ارزش‌های موردقبول در ارتباط با واحدهای دیگر گفته می‌شود. در سیاست‌گذاری خارجی هم باید به محیط توجه داشت و هم در راستای توصیف، تبیین، پیش‌بینی، و تجویز، اقدام کرد. هر کشوری در سیاست خارجی

خود با قدرت‌های متفاوت و ناهمگونی در صحنه روابط بین‌الملل روبه‌رو است. در این صحنه و برپایه نظریه واقع‌گرایی، کشورها به دنبال منافع ملی خود هستند؛ درعین‌حال، هر کشوری، تعریف خاصی از این واژه ارائه می‌دهد؛ برای نمونه، منافع ملی کشور سوئد، با منافع ملی امریکا قابل‌مقایسه نیست (حقیقت، ۱۳۷۸).

جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست و روابط خارجی‌اش را برپایه منافع و ساختار خود تعریف و تبیین می‌کند و برای رسیدن به آن با چالش‌هایی روبه‌رو است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. نداشتن بازخورد خودترمیمی و نقادی به‌شکل نظام‌مند؛
۲. ساختار غیرپویا؛
۳. وسعت بیش از اندازه دستگاه دیپلماسی.

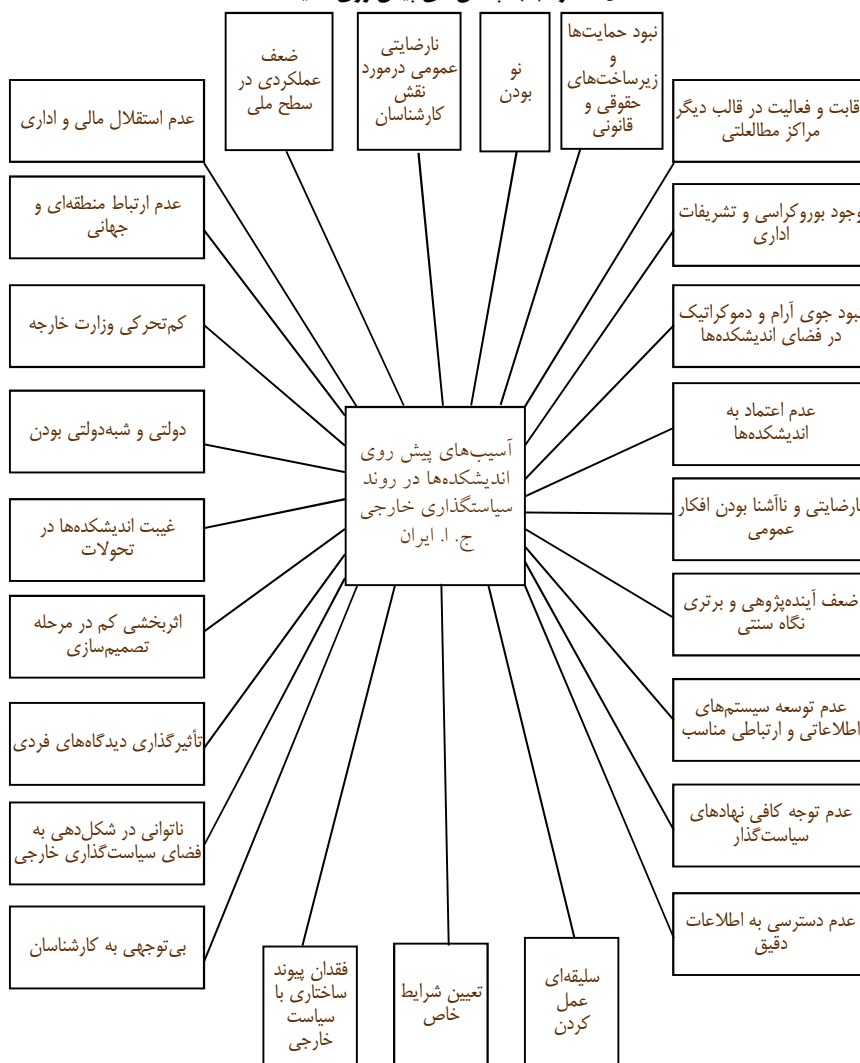
۱۰. یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

همان‌گونه که پیش از این گفته شد، پژوهش حاضر به‌لحاظ هدف، از نوع پژوهش‌های توسعه‌ای و از نظر روش انجام، توصیفی-تحلیلی است. منابع و داده‌های موردنیاز درباره چگونگی آسیب‌شناسی نقش و عملکرد اندیشکده‌ها، از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و مدارک، گردآوری شده‌اند. یافته‌ها با توجه به چالش‌های اندیشکده‌ها و فرضیه پژوهش که «اندیشکده‌ها در مرحله تصمیم‌سازی با آسیب‌هایی مانند نو بودن، ضعف در نهادسازی، دولتی و شبه‌دولتی بودن، تشریفاتی بودن، وابستگی‌های مالی، و تصمیم‌گیری‌های فردی روبه‌رو هستند»، دربردارنده موارد زیر است:

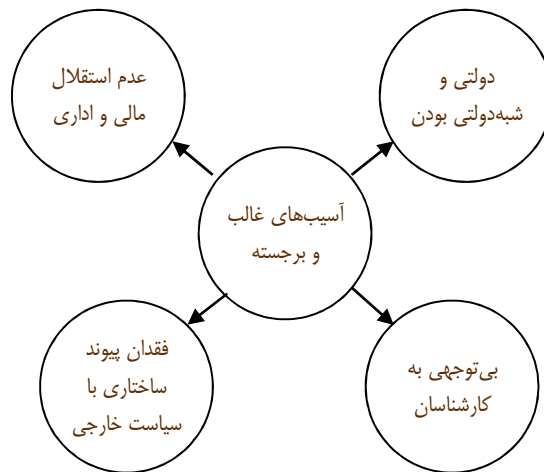
- عدم استقلال مالی، نبود حمایت‌ها و زیرساخت‌های قانونی و حقوقی، ضعف عملکرد اندیشکده‌ها در سطح ملی، رقابت و فعالیت در قالب مراکز پژوهشی دیگر، نبود فضای آزاد و دموکراتیک در اندیشکده‌ها، نارضایتی و ناآشنا بودن افکار عمومی، بی‌توجهی نهادهای سیاست‌گذار، ضعف آینده‌پژوهی و برتری نگاه سنتی، سلیقه‌ای عمل کردن، ناتوانی در گفتمان و شکل‌دهی به فضای سیاست‌گذاری خارجی، اثربخشی کم در مرحله تصمیم‌سازی، غیبت اندیشکده‌ها در تحولات منطقه‌ای و جهانی، اندیشکده‌ها و نبود ابزار اندازه‌گیری دقیق میزان نفوذ و تأثیرگذاری، کم‌تحرکی وزارت امور خارجه در همکاری با اندیشکده‌ها، ضعف شاخص‌های خروجی، فقدان ارتباطات لازم با

اندیشکده‌های منطقه‌ای و جهانی، عدم دسترسی به اطلاعات دقیق، تعیین شرایط خاص دستگاه‌های نظارتی، نارضایتی عمومی از نقش کارشناسان، بی‌اعتمادی به اندیشکده‌ها، وجود بوروکراسی و تشریفات اداری، تأثیرگذاری دیدگاه‌های فردی بر سیاست‌گذاری خارجی، عدم توسعه نظام‌های اطلاعاتی و ارتباطی مناسب با فعالیت اندیشکده‌ها، نبودن، فقدان پیوند ساختاری با سیاست‌گذاری خارجی، بی‌توجهی به کارشناسان، دولتی و شبه‌دولتی بودن.

شکل شماره (۱). چالش‌های پیش روی اندیشکده‌ها



شکل شماره (۲). چالش‌های غالب



نتیجه‌گیری

این مقاله با مطرح کردن بحث چالش‌برانگیز وجود اندیشکده‌ها و تعاملات آن‌ها در فرایندهای سیاسی، به توانمندی آن‌ها در ارائه ایده‌ها و نوآوری‌ها در سیاست‌گذاری عمومی، با تأکید بر سیاست‌گذاری خارجی، به «آسیب‌شناسی نقش اندیشکده‌ها در سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران» پرداخت. اندیشکده‌ها بر شاخه‌های پژوهشی گسترده‌ای، از جمله همکاری‌های وسیع دانشگاهی، متکی و مبتنی هستند که با ایفای نقش‌هایی مانند پژوهش، تجزیه و تحلیل، ارائه مشاوره و برگزاری گردهمایی و سفرهای پژوهشی، تأثیرگذاری خود را بر عرصه سیاست‌گذاری خارجی ثابت کرده‌اند. با توجه به نتایج پژوهش حاضر می‌توان مهم‌ترین چالش‌های نقش اندیشکده‌ها در سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران را به شرح زیر برشمرد:

۱. انعطاف‌پذیری اعضای اندیشکده‌ها در مقابل فعل و انفعالات منطقی حوزه سیاست‌گذاری خارجی؛

۲. عدم تناسب تخصص اعضای اندیشکده‌ها با نوع اهداف و رسالت آن‌ها؛

۳. فقدان منابع سیاسی و حمایت‌های مالی و اداری؛

۴. عدم بهره‌گیری از متخصصان روابط خارجی برای ارزیابی سیاست‌های

خارجی؛

۵. نبودن شفافیت لازم در وظیفه، اهداف، و عملکرد اندیشکده‌های حوزه سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران؛

۶. فقدان رایزنی مؤثر و به‌موقع با تصمیم‌گیران اصلی سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران؛

۷. عدم آشنایی با چگونگی شکل‌گیری سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران؛

۸. نبود ارتباط لازم و مناسب با افکار عمومی و رسانه‌های جمعی؛

۹. نداشتن مجوز برای ارزیابی دقیق مبتنی‌بر واقع‌گرایی نتایج سیاست‌گذاری‌های گوناگون خارجی جمهوری اسلامی ایران؛

۱۰. عدم دسترسی به تأمین‌کننده‌های متنوع مالی بخش خصوصی.

با توجه به نتایج و یافته‌های مطرح‌شده، اندیشکده‌ها برای اثربخشی بر حوزه سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران، با موانع و مشکلاتی روبه‌رو هستند. تصمیم‌سازی درباره مسائل مهم سیاست‌گذاری خارجی، تدوین راهبردها و اهداف بلندمدت در چارچوب چالش‌های پیش‌روی فعالیت اندیشکده‌ها، یافتن و ترسیم شیوه‌ها و راه‌های عقلانی-تجربی درباره موضوع‌های سیاست‌گذاری خارجی ایران و توسعه فرهنگ مشارکت و تشکیل کارگروه‌های برجسته، از اهداف ایجاد اندیشکده‌های مرتبط با حوزه سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران هستند. تحلیل‌گران، نظریه‌پردازان، و پژوهشگران اندیشکده‌ها نیز می‌توانند با تسلط بر نظریه‌های سیاست‌گذاری خارجی و بهره‌گیری از تجربه و دانش خود در حوزه‌های سیاست خارجی، برای موضوع‌ها و چالش‌های موجود در این زمینه، بهترین گزینه‌ها را در راستای تشخیص مناسب‌ترین عوامل تبیین خط‌مشی و سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران فراهم کنند و با توجه به ماهیت فعالیت، خدماتی متنوع و متناسب با برنامه‌های سیاست‌گذاری خارجی کشور و اهداف همه‌جانبه آن داشته باشند؛ بنابراین، برای افزایش اثربخشی اندیشکده‌ها باید سازمان‌دهی و ورود آن‌ها به حوزه سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی افزایش یابد و حاکمیت با انعطاف‌پذیری بیشتری، زمینه مناسبی را برای حضور آن‌ها ایجاد کند تا آن‌ها با ایجاد راهکارها و سازوکارهای مبتنی‌بر مشارکت در

تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی سیاست خارجی کشور، منافع و دستاوردهای مناسبی را نصیب جمهوری اسلامی ایران کنند.

در پایان، پیشنهاد می‌شود که اندیشکده‌ها با توسعه کمی و کیفی، پرورش نخبگان، ایجاد رابطه بین متخصصان، کم کردن اختلاف‌ها و تفاوت‌ها، تشکیل کمیته ارزیابی عملکرد، توجه بیشتر به تعاملات بین‌المللی، تدوین و تنظیم مقررات حمایتی، تعیین شاخص ارزیابی عملکرد، حمایت دولت و وزارت امور خارجه، ارتقای سطح آموزش و تولید ایده در سیاست خارجی، خدمات بیشتر و مفیدتری را در عرصه سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران ایفا کنند.*

منابع

- آقاجانی، احمد؛ عسگری، محمد (۱۳۹۰)، «نقش آفرینی اتاق‌های فکر در سیاست‌گذاری دفاعی-امنیتی»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره ۳۲.
- احمدی لفورکی، بهزاد (۱۳۸۷)، لابی و لابی‌گری در امریکا، تهران: مؤسسه ابرار معاصر.
- امیری، مهدی (۱۳۸۴)، «جایگاه اتاق فکر در تدوین سیاست خارجی»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال سوم، شماره هشتم.
- پایا، علی (۱۳۸۳)، نهادهای مولد اندیشه، موتور حرکتی برای رشد در قرن بیست‌ویکم. تهران: انتشارات دفتر برنامه‌ریزی و فرهنگ وزارت علوم.
- پورمعصوم، علی‌اصغر (۱۳۸۸)، «کانون‌های تفکر و نقش آن در تصمیم‌گیری مدیران»، نشریه راهبرد توسعه، شماره ۱۷.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۷۶)، مسئولیت فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست‌جمهوری.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹)، بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها. ذوالقدریور، اسلام (۱۳۹۵)، تحلیل اتاق فکر یا اندیشه در ایران، شبکه مطالعات سیاست‌گذاری عمومی.
- سلی، اندرو (۱۳۹۳)، راهنمای راهبردی اندیشکده‌ها برای رسیدن به تأثیرگذاری سیاسی، ترجمه بهزاد احمدی لفورکی، تهران: انتشارات مؤسسه ابرار معاصر.
- سیف‌زاده، سید حسین (۱۳۷۵)، مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- عباسی، عباس؛ یادگاری، تورج (۱۳۹۳)، «اندیشکده‌ها و رقابت تصمیم‌سازی در سطح استراتژیک در قرن ۲۱»، کنفرانس بین‌المللی مدیریت در قرن ۲۱.
- گروه نویسندگان (۱۳۹۵)، دفتر مطالعات بنیادین حکومتی (کانون‌های تفکر جهان)، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- لیخنده، ابراهیم؛ کریمی‌فرد، حسین (۱۳۹۵)، «کارکرد مؤسسات مطالعاتی در سیاست‌های خارجی امریکا در قبال ایران»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ۶، شماره ۱.

Abelson, D And Christin Carberry (1998), *A Comparative Analysis Of Think Tanks In Canada And The United States*, Pub:wilfrid laurier university press..

- Abelson, Donald (2004), *Do Think Tanks Matter? Assessing The Impact Of Public Policy Institutes*, Kingstone And Motreal: McGill-Queens University Press.
- Fryer, R. G. and Jackson, M. O. (2003, June), "Categorical Cognition: A Psychological Model of Categories and Identification in Decision Making", In: *Proceedings of the 9th Conference on Theoretical Aspects of Rationality and Knowledge*, (pp. 29-34).
- Gordon, L. A. and Sellers, F. E. (1984), "Accounting and Budgeting Systems: The Issue of Congruency", *Journal of Accounting and Public Policy*, 3(4).
- Lerner, J. Y. (2018), "Getting the Message Across: Evaluating Think Tank Influence in Congress", *Public Choice*, 175(3-4).
- McGann, G. I, Sabtini, R (2016), *Global Think Tanks: Policy Networks And Government*, Routledge Globl Institute.
- McGann, James G, (2012), "Chinese Think-Tanks, Policy Advise And Global Governance RCCPB (Research Center For Chinese Politice And Business Of Indians University)", Working Paper, No.27.
- _____ (2007), "Think Tanks And Policy Advice The US", *Foreign Policy Research Institute*.
- _____ (2019), *Global Go To Think Tanks Index Report*, University of Pennsylvania Scholarly Commons.
- Medvetz, Tomas (2112), *Think Tanks in American*, Chicago University press.
- Parmar, I. (204), "Think Tanks and Power in Foreign Policy", *Journal Articles on Elites and US Foreign Policy*, University of Manchester.
- Simon, H. A. (1960), "From Substantive to Procedural Tationality", In: *25 Years of Economic Theory*, Springer, Boston, MA.
- Weaver, R. (Ed.). (2017), *Think Tanks and Civil Societies: Catalysts for Ideas and Action*, Routledge.